

B

4.3832

ZER

ies No : 44

1147

THE RUSSIAN INVASION ON AFGHANISTAN

by -

Ghulam Muhaideen "Zermalwall"

Published
By

WRITERS UNION OF FREE AFGHANISTAN
WUFA

Copies

2000

Peshawar

1990



تہا جم ملکا روسها بر افغانستان

نگارش : غلام معی الدین "زرمل وال"

جدی
۱۳۶۸

بسیسلسلہ نشرات "وفا"
(۴۴)

تہاجم سلحانه روئی
بر
افغانستان

نگارش از غلام محی الدین "زرمل وال"

اللَّهُمَّ إِنِّي أَذْكُرُكَ
بِسْمِكَ الْمُجْدِ
أَنْتَ مَنْ لَا يَنْظَرُ
لَكَ الْمُؤْمِنُونَ

شراتی،

د آزاد افغانستان دليکو والو قولنه

آمر مؤسس: پروفيسور رسول امين

معرفی کتاب

نام کتاب: تهاجم مسلحانه روسها بر افغانستان
نگارش از: غلام معی الدین "زرملوال"
تیراژ: ۲۰۰۰ جلد
چاپ: نور حمد "اکبر"
خطاط: خان بهادر "سُرچوال"
د چاپ نهته:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تهاجم مسلحه روپهها بر افغانستان

به جهانیان واضح و روشن است که اتحاد شوروی اجتماعی است - سر پوشیده و همه چیز را در ستر و اخفاوت تاریکی میگذارند. از آنها آش نیست، اندیشه ها، شیوه ها و چهره های واقعی زمام داران سوسیال اپریالیزم توسعه جوئی شوروی، که همواره فقر و نیاز را غنا - قهر و استبداد را د موکراسی، بندگی را آزادی، ترور و وحشت را، اهانت قلعداد میکند - شناخت. ولی اگر جراید، اخبار، مجلات و امثال آن نشرات شفت سال - گذشته خود اتحاد شوروی، ورق زده شد، شورویها چه مواره سیاست خود را در اعلامیه ها به مقابله ممالک جهان، برمبنای برابری، حق خود ارادتی، و احترام کذاشتن به احساسات مذهبی اعلان میدارند. شورویها همیشه ظلم و تعدی یک فرد را بر فرد دیگر، و ظلم ملت را بر ملت دیگر ناجائز شمرده. به ازادیهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و همچین به مسئونیت و تمامیت ارضی دولت ها احترام میگذارند. شورویها به صدمه اپار

اعلان منوده و تمهد سپرده اند که در امور داخله هیچ یک از ممالک جهان هیچگونه مداخله نه منوده برا استقلال و آزادی دولت ها تهدی و تجاوز خواهد گرد.

کرو میکوهرچی را که در حصر می اعلام غیر قابل تجویز بردن مداخله در امور داخلی کشورها و حیلیت از حاکمیت واستقلال آنها در سپتامبر سال ۱۹۱۵ به مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیشنهاد کرد و متعاقباً به اتفاق ارا به تصویب رسید میگوید : مجمع عمومی متوجه تمام دولت ها و همه ملل را به احیت جدی او منع بین الملل و افزایش تهدید نسبت به همه جهان که بر اثر مداخله ها مسلحانه بعضی کشورها در امور داخلی کشورهای دیگر و تجاوز مستقیم علیه آزادی و استقلال کشورهای مستقل دیگر بعمل آمده جلب نظر مینماید . و کرو میکو اعلام خطر میکند که مداخله مسلحانه بعضی کشورها در امور داخلی کشورهای دیگر در مناطق مختلف زمینه را برای جنگ و ازدایاد تشنج در جهان آماده میسازد و حل و فصل مسائل معرفه بین الملل و همچنین حل و فصل مسائل امیز اختلافات بین کشورهای راشکنی سازد ، و یاداور میشود که منشور ملل متحد اعضاء ملل متعدد را مؤلف گرده است که از تهدید بزرگ و یا اعمال زور بر علیه تعامیت ارضی و یا استقلال سیاسی هر دولت دیگر خود داری کنند و از هر اقدامیکه با اهداف ملل متعدد مخایرت داشته باشد اجتناب ورزند . کرو میکو متذکر میشود که منشور ملل متحد اهل بر بری استقلال همه کشورهای عضو را اعلام کرده و غیر قابل تجویز بودن هر نوع مداخله در امور داخلی کشورهای بر سمعی شناخته است و اهل شناخته شده نه برد که یکی از اصول حقوق بین الملل است . کرا را بمحب

تصویبات، و اعلامیه های کنفرانسهای باندونگ، بلکراد و قاهره که اعضا سازمان ملل متحد در آن شرکت داشته اند، موافد تامیل قرار داده است و بنابر ادب فوق جمیع عمومی وظیفه خود میدانند:

۱- بار دیگر تامیل نمایید که هر کشور مستقل و هر ملت از حق مسلم آزادی خود، استقلال و دفاع از استقلال خود برخوردار است و این حق باید کاملًا حراست شود.

۲- به تمام کشورهای عضو سازمان ملل متحد توصیه نمایند که بدون اخراج، تمددات را که بوجوب منشور ملل متحد به گردان گرفته اند به ابعام- رسانند.

۳- مصر اخراسته شود تا هر نوع مداخله مسلحانه یا غیر مسلحانه در امور داخلی کشورهای دیگر یا هر نوع اقداماتیکه درجهت خلاف مبارزه برق ملک برای تحصیل استقلال ملی و آزادی باشد، فرآ متوقف گردد و در اینه اجازه وقوع آنها داده نشود.

۴- از همه کشورهای بخواهد که در روابط بین المللی خود، اصل احترام و عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر را تحت هر عنوانی که باشد، ام از اقتصادی یا سیاسی، یا اجتماعی رهایی خود قرار دهد. جمیع عمومی به کشورهاییکه علقم منشور ملل متحد دست از مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر شده اند هوشدار میدهند که با این عمل در برابر همه ملل مسئولیت بین المللی سنگینی را بدغش گرفته اند.

گرو میکو سال بعد «۱۹۶۶» برای اجرای مفاد اعلامیه فوق الذکر به دبیر کل سازمان ملل متحد فشاری آورد و معتقد بود که مفاد آن از طرف

بعضی مراجعات نمی‌شود و بالحن تندی می‌گفت : این شرایط تحمل ناپذیر است.
همچنین اعلامیه مشترک را که جال نامر و گاسیگین صدراعظم شوروی
در ماهی سال ۱۹۶۷، امضا نمودند چنین می‌گویید : استفاده از زور
معمول شیوه کولونالیزم است که از طرف همه ملحد وستان مردود -
شمرده شده است و باید به هر فرع مداخله خارجی در امور داخلی کشورها
خاتمه داد، و هر فرع اعمال فشار منسخ گردد.

شورویها در پیغامه‌ی سالگرد مناسبات سیاسی بین دولتین افغانستان
و اتحاد شوروی، دو سیه‌های ارشیف هردو مملکت را ورق زده اکثر
معاهدات معتبرین دولتین و اعلامیه‌های سران هردو مملکت افغانستان و
شوروی را بطور مثال و منموده از مناسبات نیک در پیغام می‌باشد یک
کتاب بزبان های دری و روسی چاپ و هزار ها نسخه آن را توزیع و به
اگاهی رسانند. شوروی‌ها در سال ۱۹۷۹ در ماسکو به مناسب شخصیتین
سالگرد برقراری مناسبات سیاسی بین افغانستان و شوروی رساله‌های
دیگر را به لسان پشت‌تو و دری چاپ و در مفعه اول آن چنین نگاشته‌اند
«که درجهان خیلی کم ممالک مانند : افغانستان و شوروی پیدا می‌شود که
با غورگفته می‌توانند که از شدت سال به اینظرف در افق آسمان مناسبات
شان هیچ وقت ابرتار و تاریک به مشاهده نرسیده در صلح و صفا بسری بوند»
همچنین شورویها در سال ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ اکتابهای لینام شیبورهای
می‌وند، انتقام گیرندگان گندمک، حقیقت درباره افغانستان و انگلستان بر
خد افغانستان و امثال یینها را در ماسکر طبع و هزارها نسخه آن را در کابل
توزیع و انگلستان را دشمن افغانستان معرفی و با وجود تهاجم مسلحانه

را شغال افغانستان، کشته‌های دسته جمعی مردم بی دفاع و تیربارانهای وحشیانه و ظالمانه بازهم بادیده پارگ فرق العاده روسیه ناضر اراده و است افغانستان قلمداد میکند. و در صفحه هفتم رساله که بمناسبت شاهین سالگرد مناسبات افغانستان و شوروی، چاپ رسانده اند گفتار لینین را چنین کریت کرده اند «البته چنین مردی هستند که فکر میکنند معکن است در وطن بیگانه انقلاب به فرمایش و یا از طریق موافقه در میان بسیاری، این چنین مردم یا احمق اند یا توطیه ساز، لینن هیشه این را تاکید میکرد که انقلابهای به اساس موافقه و نه از طریق فرمایش تحقق یا فته نمیتواند بلکه مرحله عملی شدن انقلاب زمانی بسیار رسید که ده میلیون مردم یک کشور به این نتیجه برسند که من بعد بدین شیوه زندگی کردن معکن نیست».

و در اخیر صفحه نهم رساله اخیر الذکر چنین به چاپ رسانده اند که در افغانستان انقلاب مستقیماً به اراده مردم بدون مداخله خارجی- صورت گرفته است اگر منظور شورویها از انقلاب و قیام عمومی ملی مردم افغانستان برضد کمونیزم و تحظی و تجاوز مسلحانه شورویها باشد راست میگویند، زیرا یقیناً جامعه افغانی بدون مداخله دیگران برای آزادی، حاکمیت، استقلال و تمامیت ارهی خود برضد کونیست هاو تهاجم مسلحانه شورویها قیام عمومی و انقلاب تنفسه اند ولی اگر روسها کویه تای داؤد و کرد تای هفت؛ ثور را که هر در به رهظی و حمایت کامل- روسها و برسیله اخراج اینکه از روسیه با ایدیالوژی کمونیستی برگشته بروانند، صورت نشانگ فته. و این کرد تا هار انقلابی نامند هم گفتاریق

را هم خود روی حصلت همیشه‌گی خود دروغ می‌گویند.
معچین لین در سال ۱۹۱۸ می‌نویسد «که هیچ مارکسیست نمیتواند
منکر شود که منافع سوسیالیزم مافوق حق ملتها در تعیین سرنوشت شان
است».

لینز مردم روسیه را مانند پطرکبیر به غداری تشریق کرده و
می‌گوید که «باید به هر نوع خدعاوه و فربی و وسائل غیر قانونی و حکومت
و کتابخان حقیقت مستثبت شد».

در پای گفتارهای بلند بالای فوق الذکر رهبران سوسیال امپریالیزم
شوری، اندیشه‌ها و توصیه‌های یک سلطان مطلق العنان روسیه را بنام
پطرکبیر سوی وصیت نامه معروف وی که برای اختلاف خویش بعیراث گذاشت
و نزمامداران شوروی آن را بمنظور سیاست تاریخی توسعه جوشی و
گسترش مرزهای خود با استقامت جنوب دستور العمل امر وزیر خود قرار
داده اند خواندنی و قابل دقت است.

پطرکبیر سلطان مطلق العنان آنوقت روسیه در وصیت نامه معروف
خویش، به روسها و اختلاف روسی خود چنین توصیه می‌کند: چون اکثر
ممل اروپا پیرو فرقه و مروبه ضعف و فساد گذاشته به آسانی میتوان
از طرف دولت جوان روس مغلوب و روسیه فرمان روای کل اروپا باشد
بسیاریکه روسها هرچه نزد تقدیرت نظامی خود را کسب و به توصیه من
که ذیلاً برای نسل‌های آیینده روس بعیراث میگذارم عمل نمایمند.

۱ - بمن دولت روس واجب است که ارتش را همیشه مانند مشمیر آفته
و عذاب کوئنگ آماده و تیار باشند تا بدینگونه بجنگ و خوب ریزی البت کیفرند

و در زمان صلح همه قدرت و توانای خود را در راه تهیه و تدارک -
لوازم، تجهیزات و مهمات جنگ به کار آنداخته چنان مستعد و آماده قتال
باشند که گرئی در جبهه جنگ دست به اسلحه و گوش بفرمان دوخته
اند و در حین جنگ چنان قوی و صاحب قدرت نظایری باشند که عنان
جنگ و صلح یعنی هر دو را در قبضه اقتدار خود نگهداشند تا برای اعمال-
نفوذ و برآوردن ارزوهای امیال توسعه جوی خریش به حد اعلی آزان
استفاده ببرند.

- ۲- هنگام فرمت مافتدهایی که از چپ و راست نگران و متوجه حالت
سید میباشد، در تمام امور و سایلی جاریه و روز اروپا و اختلافات و منازع
عات اروپا یان مداخله نمایند و بمویشه در حوادث کشور آلمان که بواسطه
قرب و جوار مستقیماً منشاء استفاده ها و فواید بزرگ قرار گیرند.

- ۳- برای القاء، فساد، دشمنی، حسادت و کینه، دائمی و احباب است اصول
رشوت را در داخل کشور لهستان و دیگر ممالک رواج داده نفاق و اختلافات
را در میان آنان آنداخته بروید، و بزرگان آن قوم را به بدل مال و استهالت
احوال بظرف خود جلب ننمایید حییکه. به این مقصود خود رسیدید آنقت
پادشاه لهستان را از دست پرورد و سریع انتخاب کنید تا سپاهیان
رسویه را برای حمایت و حفاظت خود در داخل آن کشور جای دهند و
اگر از طرف دولتی های ابراز مخالفت مشو فوراً چینن و انحصار کنید که-
لهستان را با آنان تقسیم خواهد کرد، و بدینوسیله آتش فتنه و فساد را
فرد نشانید ولی منتظر نشوید که آنها به شنیدن کلمه « تقسیم » بخواهند-
مداخله کنند، بداند و بشکافند و حق خود داشند، مهم و حصة آنان

پس لزوجمالات بخواعطیه بانان و اگذارید.

۴- بن مشمار و سها واجب است که بر بعضی از کشورهای سوئد - «اسکاندیناوی» استیلا حاصل کنند . و این استیلا وقتی میساست که دولت روسی بدولت سوئد اعلان جنگ داده و از هر طرف بر آن همچ اورده و آن را از پادر او برد ، سپس همت گمارید که القا فساد و نفاق در میان مردم سوئد و دنیار ک دایماً استوار و انان را از یکدیگر منفر و دور نگهدارید چون ایجاد کنن و نفاق در میان این دولت - ریشه گرفت آنوقت مراقب احوالشان باشید تا این کنن و نفاق همیشه در میان شان برقرار باشد .

۵- بر این اطرافی روس و اعقاب او لازم و واجب است که دائمآ زیست را ان بنات خاندان ملوک العان انتخاب و اختیار کند تا بمناسبت ارتباط زوجیت بالعان ها تقدیک شده و همواره در امور داخلی آنها مداخله کرده برای مصالح و منافع علیاً روسیه از آن سود ببرید .

۶- انگلیس دولتی است که اکثر اجبار را در اخumar و اختیار خود دارند - چون در امور دریا داری قدرت بکالی داشته سوئد و منافع خیلی زیادی از طریق کشتی رانی هافضیب آنها است . از آنجا لازم است نظر دوستی انگلیسها را بخود جلب و روابط حسن را با آنها برقرار و از دوستی آنها برای ازیاد نیروی دریائی خود استفاده نهائی نموده دائم کشتی رانی و قدرت نیروی بحری خوبیش را چنان وسعت بخشدید تا بعرا ت از انگلیس بجلو رفته - حاکم ابحان باشید .

۷- بر دولت روس لازم است وقتاً فوقتاً نیروی نظامی و دریائی

خود را از طرف شمال بسواحل دریایی بالتیک و از طرف جنوب به سوی عل
دریایی سیاه مستقر سازند.

۸- روسهار با است نزدیک شدن به اسلامبول و هند را فریضه خود
بدامند، زیرا مسلم است هر کس که به اسلامبول دست یابد ممکن است
از این راه بر تماش دنیا مستقر شد بنا بران بر روسها واجب است جنگهای
پی در پی و بی انقطعای با دولت عثمانی و دولت ایران ایجاد و بتدریج در
فیض دریایی سیاه بکوشند. کارخانجات کشتی سازی را در بحیره سیاه بر پا
کرده قدرت نظامی و استیلای خود را در عین زمان بر دریایی بالتیک نیز
تقویت بخشد. در همین موقع فریضه روسها است که اول لتران همه به ضعف
و نا بودی دولت ایران کوشش و مقلا منمرد، هر قدر زودتر ممکن است
خود را به خلیج فارس بر ساند و تجارت مشرق زمین را بر ابعا بلزنگشتنده
از یک طرف به هندوستان نزدیک و از جانب دیگر از طلای انگلیس -
بی نیاز و از تمام گنجهای دنیا مستغتی میگردید.

۹- روسیه باید بکوشد با دولت امپریش اتحاد و اتفاق نموده خود را
مدافع اثاث و امنیت و از آنها حفاظت نماید و از طریق این اتحاد و مداخله
در امپریش برای نفوذ در ایلان استفاده ننماید اما در باطن جنگ اعماب
کیته و دشمنی امپریش با سائز حکر ایلان مسامی جمیله را بخراج دهید و
در عین زمان ایلانها را هم در ضدیت و دشمنی با امپریش برانگین بپزد و
سران هر یک از طرفین را وادر کنید که برای سیزده با یک دیگر از افراد روس
یاری و کومک بخواهند، در پایی این پلان خود را حایی دولتین امپریش
و ایلان قلمداد کرده روسیه را چنان میزخراء مقامدانان جلوه دهید که

در آینده در میان شان حکیت کرده منافع سیاسی ببرید.

- ۱۰- بر روسالازم است سلاطین امپریش را تحریک کنند تا ترکهای از اروپا مدد نمایند نماینکه اتش جنگ و حسادت امپریش با ترکها بالا گرفت بلاد رینگ اسلامبروک رافت نخاید بعد او را به کلاریز شدن یعنی بالا گرفته مشغول سازید و حصیقی از سرزین های مسخر شده را که بمنظور فروختن شاندن به او داده اید، بعد از سپری شدن مدت کوتاه از آنها پس گیرید.
- ۱۱- روسها باید بکوشند همه سیحیان ارتودوکس را که مطیع کلیسا میباشد و در چارستان، عثمان و وسط لهستان متفرق و پراگنده هستند و رخود جمع نمایند تا بمثله محروم آنها قرار داشته و بوسیله ریاست کلیسا از برتری عصری برخورد از خود را دوست هر دشمن معرف نمایند.
- ۱۲- چون روز فرار مسدکه اهالی سوئد را پراگنده، ایران را مغلوب، لهستان را مطیع و ممالک هشتمان را ضبط و در تصرف خود درآوردید - آنوقت بر روسالازم است نیروهای دریایی خود را برای حفاظت دریای سیاه و دریای بالتیک در آنجا مستقر کنند و دیگر قوای نظامی خود را گشتن بفرمان آماده بدارند به تعقیب آن نقشه تقسیم امپراطوری دنیا را اولاً یا دولت فرانسه و بعد با دربار «وین» بصورت جداگانه، در پرده و نهانی طرح و بین خود و آنها قسمت کنند، پس اگر یکی از این دو دولت هامقmodity را قبول نمود که این حتی به مظری اید با کمال مدارا با مملکت که منظور شمارا قبول نمود سلوک ور فتار نمایید و با نهایت کاردانی و مهارت او را دستخوش خود را لات و وسیله اضطرابی و تابودی دیگری که از مقصود، شما سر پیچیده است فرار دهد و در آخر برای از میان بردن.

دولت دیگری که با قیمانده و سرپیچ نموده نزاع و جنگ اغاز کنید و در نتیجه تماماً سرزمین خاوری و یا قسمت اعظم اروپا در تصرف روسیه خواهد ماند.

۱۲ - بر فرق محال که هیچ یک از دو دولت نایبرده تقاضای شمارا قبول نکردند آمریقت بر روسها واجب است که تماماً قدرت شیطانی و فتنه- انگلیزی خود را بکار اند اخته چنان آتش نزاع و اختلاف در میان آنها روشن کند تا دست وحشیابان شده با هم بیا و میزند و در نتیجه ضعف و خستگی حتاً دامن گیر یک جانب میشود. در این وقت بر دولت روس واجب است فرمود اعظم را از دست نداده با هم نیروی آریش خود که از قبل حفر و آماده جنگ میباشدند از هر سو بر المان بتازد، و در عین حال قسمت بزرگ نیروی دریائی خود را در دریای از طرف فرام و سفاین و ناوگان مجهز خوش را در دریای مدیترانه، دریای شمال و دریای بالتیک سوق دهید، حینکه دو مملکت مغلوب و مسخر شما مشدند. بقیه اروپا بدون جنگ و خونزیزی به مترفات شما ملمت و به آسان با تقدیاد شما دری آیند بالآخر کلیه سرزمین های فینستان مفتوح و مسخر شما خواهد شد.

ای برادران مسلمان و ای انسانهای جهان آزاد! اثاینکه همراهه برای حق آزادی بشن، دموکراسی و عدالت اجتماعی ارزشها شایسته طبیعت بشری قابل هستید. باری در عمق این نوشتۀ های منتصر فروروید و عیق شوید که متن وصیت نامه سلطان مطلق العنان وقت روسيه بنام پطر، اظهارات و نوشتۀ های لینن، گرومیکو، کاسیگین و دیگر رهبران شوروی یک تابلوی تغییل نیست بلکه حقیقت مطلق است، چه، نشرات خود شورویها، نشرات

ملل متحد و نشرات نزیستند گان جهان آزاد شاهد و مصدق بزرگ آن است ولی متأسفانه که کشورهای جهان اتکا به پیمانهای باهی راعتماد به قوانین و وثیقه های بین الدول و باور داشتن به عباراتی که رو سها در طبل تاریخ شصت سال نظام دیکتاتوری خویش با مهارت کامل در لابلای عبارات جبال و طرحهای ریا کارانه تحت عنوان حکومک های بی شامبه، همزستی مسالت این بین رشیم های مختلف، احترام مقابله، عدم مداخله در امور داخلی همدیگر، و امثال آن غافلگیر، و دائم بدام امپریالیزم ترسعه جوی شوری گیرمانده اند.

اظهارات ریا کارانه و کاذب، که در جهان می باشد نادر است چهره های واقعی و اندیشه های درونی رهبران شوروی را پنهان نگهداشته و کار را دشواری مسازد.

البتہ هر کس گاهی دروغ می گوید. بعضی کمتر و می باشد پیشه های بیشتر ولی می باشد پیشه های غیرکمونیست دروغگوئی را فضیلت منی شناسند و اگر دروغ شان فهمیده مشد خجالت می کشند. اما رو سها چنین نیستند، دروغگوئی رو سها از ابداعات کمونیزم نیست بلکه دروغ پرواژی رو سها چنانچه از دو رو بودن زعماء شوروی بصراحت پیدا است بعنوان یک خمیمه ملی شان فهمیده می شود. عالمًا و عامدًا خیانت به همکاران و دوستان. خود و تعقیب و ازار مردم معه میگذارند، تسلیم و رضا، آنها را کافی ندانسته بلکه مشارکت فعل در ایجاد وحشت و گشتن را ضرورت می پنداشند. از انجا است که هنگام ارزیابی شخصیت زعماء شوروی نباید سوابق شینه آنها را فرموش کرد. اندیشه ها و شیوه های رهبران شوروی را ازلابلای

اوراق تاریخ معاصر و حاضر و گفتار آنها را با اعمال شان که در دو قرن اخیر انجام و امپراطوری خود را بطرف آسیای مرکزی، شمالی و شرق وسطی و اروپای شرقی و بالاخره تاخت و تهاجم مسلحانه و گسترش داشته‌اند - شوروی بتاریخ ۲۷ دسمبر ۱۹۲۹ برعهده امن وزنمنا می‌آفرید بصراحت دری یابید که نمود، میتوان بدقت مطالعه امن وزنمنا می‌آفرید بصراحت دری یابید که در گفتار و کردار روسیه ایکدام اندانه تضاد وجود دارد، در جاییکه منافع شوروی تقاضای مناید از سلب آزادی، نفع تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و سازمان حقوق مملو و مردم ابدآ خود داری نه ورزیده و نمی ورزد روسیه تزاری امپراطوری خود را بطرف آسیای جنوبی و مرکزی بحیث یک سلطان مین تاسیح دات افغانستان و دریای آمریکا و پهن و ترسعه داده رفت. همه سر زمین های ازبکستان، ترکمنستان، تاجیکستان، قرقیزستان، خرقند و سقند خیوه و بخارا را بشمول مردو و پنجه و از این بایجان ایران بنزور برچه اشغال وضمیمه کشور روسیه ساخت. جزائر جاپان، لتویا، لٹوانیا و استونیا را با- قسمت از سر زمین های پولند، فنلاند، چکوسلواکی و العان را به شوروی ملحق ساختند. همه المانها و لهستان ها را از سر زمین های الحاق به شوروی از مسکن و ماوای شان بیرون راندند مانند قراق های افغانی را از پا میراث افغانستان بیرون رانده و بالاخره به ترکیه پناهنده مشدند. ماشین نظامی شوروی که بقدرت و معاونت امریکا و انگلیس در میدان نبرد با هتل فاتح برآمد در شش مملکت اروپای شرقی مانند لهستان، چکوسلواکیا المان شرقی، رومانیا، بلغاریا و چهارستان مستالیشت های دست پرورد روسی را بر مسند قدرت نشاندند. شورویها قسمی از سر زمین های

المان را بخود ملحق ساخت و قسمت دیگر را به لهستان بخشید و قسمت سوم را در بیان اسارت و بندگی خود قرار داده، برلین شرق پایتخت المان را گرفت و گان نگداشته است و حکومت المان شرقی که تحت حمایه روسیه بحقارت بسری برند به هدایت و اوامر کریملین نشین‌ها دست به اقدامی زد که برای خود شان تحریر آمین و در تاریخ دینای بشری بی سابقه بود و عملادور اتابع المان شرقی و در قلب شهر برلین دیواری را بلند کرد و تقریباً یکهزار و پنجصد کیلومتر سرحدات المان شرقی و غربی را یا دیوار یا سیم خاردار و یا مین‌گذاری کرده دو برا در الفانی را بزوز برجه از م جدا و مملکت المان بزرگ را دو نصف منسوب نمود.

در سال ۱۹۵۲ بعد از مرگ مستالین اغتشاث و اثار جدید طلبی در خشورهای پشت پرده آئین بروز کرده رفت چنانچه در سال ۱۹۵۶ شرشریاً در لهستان و انقلاب تقریباً موافقیت آمینی در همارستان روی دادا - ماشین منظای شوروی مردم خورد لهستان و مجارستان را چنانیکه بهمه جهانیان واضح است بشکل خشونت آمین و رحشیانه کوبیدند و باری پیگر باز تامکن‌های زیادی را به بوداپست فستادند ناگی و دیگر رهبران مجلس لهستان را دستگیر و ناگی را اعدام نمودند. در سال ۱۹۶۸ اعتراضات و انتقادات مردم چکوسلواکیا نسبت رویه خشن و ظالغانه نیز تینی مستالینست اوج گرفته نیز تینی را مجبور کرد از مقام دیری کل حزب مستعفی و در مارچ همان سال از پست ریاست جمهوری برکنار و در بچک جانشین وی مشد. دو بچک طی یک مسخر رانی حد اکثر دموکراتیزه کردن و احیای حیثیت قریان سیاسی دوره سیاه استالین و اصلاح اشتیاهات گذشته را عله

داده یک نشیء متفک از هرف اتحادیه نویسنده‌گان چکوسلواکی شروع به انتشار کرد و معرفانه روش آزادی طلبان را اتخاذ نمودند ولی پراودا بلادرنگ چنانیکه امروز در مورد قیام عمری و جهاد مردم افغانستان اخبار جعلی را پیغام‌گردیده می‌رود، در خصوصی چکوسلواکی به انتشار اجل اسای جعلی پرداخته، حشف ابزارهای پنهانی اسلحه امریکا نی، ترتیبه های سی. آی. آی را برای سرنگون ساختن دولت چکوسلواکی کذباً به نشر سپرد دامستانهای جعلی وحشت اور و کشف خاذن اسلحه و فعالیت عملکاران افغان غربی را انتشار داده نیروهای امپریالستی خارجی و نیروهای ارتعاجی و اصلاح طلب داخلی را با نیروهای امپریالیزم امریکا و انگلیس کذباً همکار و معدست میگفت، در ۱۴ اوت روزنامه ستاره سرخ ارگان ارتش شوروی به تعقیب پراودا مقاله را پچاپ رسانده از دیاد تعاملات خصمان و خطرناک را در چشید و دوست چکوسلواکی قابل نگرانی گفت امادگی ارتش شوروی را برای کمک به مردم و یکشون دوست چکوسلواکی اعلام کرد، و بتاریخ ۲۰ اوت همان ماه کمیته مرکزی حزب کمونیست در هاسکو تشکیل جلسه داده و در اخیر شب همان روز نیروهای شوروی و پکت وارسا بدون رعایت به قرمانده کریملین نشینان بخاک چکوسلواکی گموم اورده با خشونت و وحشت شدید راهبران چکوسلواکی را مورد بحیرت قرار داده همه راقیقی و ربردنده.

رو سماخیمه ملی شان هنوز هم با کمال و قاحت و بیشی برای اغفال جهانیان به نثرات کاذب خود ادامه داده و میگوید چنانیکه بکمک چکوسلواکی شناخت اینک اخیراً نسبت خل امپریالیزم امریکا، شف نیزم چین و ارتعاج

منطقه بتاريخ ۲۲ دسمبر ۱۹۷۹ به کمک مردم کشور مان قطعات محدودی
بیش از یک‌صد هزار از قشون سرخ شوروی را داخل خاک افغانستان نمودند.
مستقل، آزاد و بیطرف پیاده نمودند. البته این واقعیت است تا زمانی که
در اثر کردتای ۱۹۲۸ کمونستی موقف عدم انسلاک افغانستان از بین
هزارهای بود افغانستان یکی از قدیمترین کشورهای بیطرف آسیا بود. و
افغانستان موقف بیطرفی عنعنی خود را که به مصالح ملی کشور مان
تطابق دارد چه در زمان صلح و چه در زمان منازعات و کشیدگی
های بین‌المللی با کمال مرفقیت حفظ نموده، و هیچگاه به تحريكات و
تبليغات کشورهای متخاصم علیه یکدیگر در خاک خود اجازه نداده است.
افغانستان یکی کشور مستقل بود که استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی
آن از جانب همه ممالک جهان بالغامه مملکت‌های همسایه بجمله شرق‌آسیا
به اساس معاهدات معتبر بر سمت شناخته شده بود و با اتحاد شوروی
همسایه بزرگ خود بهترین روابط حسن هم‌جواری و همکاریهای وسیع
را در تمام ساحات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارا بود که این روابط
دوستانه و نزدیک از طرف زمامداران شوروی همواره بعیث بهترین
نصره علایق نیک بین دو کشور همسایه و نمرنجه همزیستی مسالمت‌آمیز
و همکاری مقابله بین کشورهای دارای نظام‌های مختلف اجتماعی به‌جها-
شان معرفی می‌شد.

افغانستان از سالهای متمادی به اینظرف نه تنها با روسها و متجاوز و ترسعه جور وابط حسن همچوی داشت بلکه دا ڈمڈلاغم رقت از سال ۱۳۴۶ ش به اینظرف بصورت پکجانبه افغانستان را انگاه

منظمه نظامی، اقتصادی، فرهنگی، تجارتی و سرمایه‌گذاریهای مکجا به رویه شوروی تابع کمونست هائینرده و مملکت را عملأ در کام سو شل امپریالیزم رویه فروبرد به این معنی که داده در برج عقرب ۱۳۲۴ «۱۹۵۵» لته جرگه را داشت و تصویری مسلح ساختن ارد وی اتفاقی را با سلاحهای شوروی از تریه جرگه حاصل و متصل آن ارد وی کشور را با انواع سلاحهای رویی مسلح ساخت به تعقیب آن مدحانه قرمشادرین منظامی شوروی به مملکت وارد و از یک طرف ماحب منصبان خورد و بنز رگ ارد و را در کورس آ «۸۰» پُل محمدخان تحت تربیه گرفتند و از جانب دیگر عده کثیری از هم‌لجب منصب خورد و بنز رگ ارد وی افغانستان بنام اموختن تکتیکهای جنگی و آشنازی با اسلحه شوروی و استعمال آن همه ساله به ماسکو و دیگر شهرهای آن مملکت اعزام و از آنجا با داشتن ایدیوالرژی کمونستی به افغانستان بر می‌گشتند. بر علاوه قار دادهای متعددی از قبیل ترازنیتی، تجارتی عمران و منظیر اینها یکی پی دیگر با شورویها عقد و اعمار پروژه‌های بنز رگ مانند پروژه بند و برق و کانال ستگهار، بند و برق نفلون سرک کاسنکریتی تور غورندی، هرات و قندهار، سرک کابل، پل خمری و شیرخان بند، پُل خمری، حیراتان، مزار شریف و شترغان، شکافتی کوه سانگ و سه کیلومتر ترند آن، اعمار میدان هرامشی بگرام، میدان هوائی شیندند تنهضات گاز و پیترول صفحات شمالی، اعمار فابریکه کرد و برق حرارتی مزار، اعمار بند سردی غزنی، استخراج معدن مس عینک لرگر اعمار - پولیتوفنیک و تغذیک، اعمار مکرویان، فابریکه خانه سازی کابل، کارخانه جات جنگلک، اعمار سیلوهای کابل و سیلو پل خمری و امثال آن با

شوروی ها عقد و به آنها سپرده شد، در سال ۱۴۵ بولگاین و - خروش از کابل دیدن نمودند و یکمدم ملیون دالر را بغرف تحریل مصارف پروژه های چندی به دارد قرنه اعتباری دادند .

اقلام عمده صادراتی مانند پشم، چته، میوه خشک و تازه، چرم های خام بزی، گوسفندی، گاوی و اشتری، ابرک، تلک، برآیت و امثال اینها باشکل محارت بارستی به شوروی صادر میگردد. بهین ترتیب سالانه پیش از یکمدم هزار تن سمنت غوری و همه مس و عینک لوگر به شوروی صادر میگردد. همه تولیدات ستروسی و زیسترن ولایت تنگه ها به قیمت حینی نازل به شریعه صادر میگردد. اگر به دیگر مارکیت های جهان صادر گردد یقیناً ده ملیون دالر بیشتر بدست خواهد آید. مطالعه و کنترول لیتر مدور گاز بطرف روسیه در دست متخصصین شوروی است و افغانها املاً نمیدانند سالانه چه مقدار گاز جاب شوروی م دوری یابد و خارجی ورقه قرارداد - دو میلیون ،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ متر مکعب گاز از قرار فی ده هزار متر مکعب ۳۷ دالر در حالیکه قیمت بین العلی ف هزار متر مکعب گاز مبلغ یکمدویست هزار دلار است به این حساب روسمان در هر فی هزار متر مکعب گاز مبلغ یکمدویست و سه هزار دلار کمتر از نزدیک بین العلی گاز به افغانستان می پردازد جمله بیست و چهار میلیون و ششصد هزا «۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰» دلار کمتر میمهدند در بدل آن مواد استهلاک مانند گلریش، گوگرد و امثال آن وارد، و افغانستان مارکیت فروش مالا لیقاره شوروی گشته است.

فرهنگ افغان هم بتدریج و بشکل غیر مرئی تحت تاثیر فرهنگ شوروی قرار گرفته اکثر اولادی وطن که بفرض تحصیل در رشته های خدماتی ملکی و نظامی

به شوروی فرستاده میشدند با داشتن ایدیالرژی کمونستی بوطن برگشته سرمایه گذاری ایدیالرژیکی کمونستی سال به سال در افغانستان متسعه یافته و بسرعت پخش شده‌ی رفت. معلمین مؤسسات تعلیمی و اختصاصی مانند پولیتکنیک، مخنیک، مکتب مهندسیکی همه روسها و یا تعلیمیا فنگان رو سیه بودند تدریس زبان روسی بحیث یک مضمون در لیسهٔ حربی، در مؤسسه‌ی علوم پولیتکنیک و امثال آنها قبول شد. کتب، رساله‌های مجلاب، اجبار و کتابهای فلسفهٔ مارکسیزم و لینینزم به زبانهای انگلیسی، روسی، پشتون و دری بصورت روسی و موالبدید وزارت اطلاعات و کلتور افغانی و هم از طرف مشاورین نظامی، معلمین، اطباء، کارکنان سفارت شوروی وغیره تبعه روسی که در پروژه‌های مختلف مشغول گاز بودند بصورت مخفی وعلنی به پیمانه‌های جنلی گراف در مملکت توزیع و در نشر و پخش منوردن ایدیالرژی کمونستی مساعی جعلیه تعزیه میدادند. خلاصه اینکه سویاں اپریالیزم شوروی م ایدیالرژی مارکسیزم لینینزم را سرمایه گذاری می‌نمود و هم با سرمایه گذاری‌های یکجا به خود، اعتماد افغانستان را تابع اعتماد شوروی ساخته همه منابع مالی، اقتصادی، تجارتی، پروژه‌های بنرگ عمرانی را با اردوی افغانستان در اختیار خود داشت، و هیچ نوع منازعهٔ ارضی و یا اختلاف سیاسی با افغانستان نداشت. ولی شورویها با داشتن اینهمه امتیازات و معکاریهای وسیع در تمام ساحه‌های حیاتی و داشتن علایق نیک بازچه گفت؛ و چرا؟ بتاریخ ۶ جدی ۱۳۵۱ ه.ش مطابق ۲۲ دسمبر ۱۹۷۹ با بیش از یکصد و ده هزار قشون سرخ، هزار هاتانک و زرهپوش، صد ها طیارات میگ جنگی و هلیکوپترهای نزهدار و ترپدار، سلاحهای کیمیاوی

و د ها نزع سلاحهای ثقل و خفیف خیل پیشرفته را مثال آن به کشور مستقل، آزاد و بیطرف مان حمله مسلحانه و گستردگی نمودند؟ و چرا به بجای دمانهای خیل و حشیانه و بی رحمانه و ظالمانه و گشتارهای دسته جمعی زنان، اطفال، پیرمردان و جوانان و تخریب شهرها، دهکده‌ها، قلعه‌ها، کلیه‌ها، قریه‌جات، حریق خرمن‌ها و فصل‌ها، استهال اسله مفتوحه کیمیاری و بی‌خانمان ساختن می‌برندناه تنفس مسلمان و بی‌دفاع افغانستان ادامه مید‌هند؟

فرمیکم جواب خیلی واضح و روشن است ولی قبل از آنکه به سوالهای مطروحه فوق جوابی به عرض بر سازم او لایحه خواهم بجهانانیکه بحق آزادی انسانها احترام دارند و برای آزادی خود و آزادی دنیا بشریت روز میدهند بدون مبالغه و بعیث واقعیت مطلق، چشم دید خود را ذیلاً ایضاح نمایم ای انانیکه بکرامت انسانی و حق آزادی انسانها از تمیه قلب علاقمند هستند باری از طریق ملل مقدس و با کسب مصروفیت از تهاجم قوای شروری به افغانستان وارد و در ۲۹ ولایات مملکت ده بدیه، قریه به قریه پگردید، ببینید و بشنوید من ایمان و عقیده را سخ دارم و شهادت خواهید کرد که من تحت احساسات نرفته و در این را پورختم خود می‌بینم نزع مبالغه و امنافه گوئی ننموده ام، بعد از آنکه روسها با سرمايه گذاری یکجا به خود اقتصاد افغانستان را تابع اقتصاد شوروی ساخت و به پیمانه کافی در اردو و قرشیز فهم افغانستان سرمایه گذاری ایدیا لوثیکی ننمود، دست پروردۀ های خود را به سرکردگی داده غریک حکم دست به کردنه بنشند، چون داؤ دازیکطرف در زمان

صدارت خود، هم خود، وهم هلکت را در کام رو سیه فروبرده برد و از جانب دیگر در قانون اساسی جدید بنام عضو خاندان سلطنت از فعالیت‌های سیاسی محروم شده بود از آنچنان خواهی و جاه طلبی خاص خودش تحریک شده بوسیله افسران که نیست اردو کودتا نموده رژیم شاهی را ملغای رشیو جمهوری را اعلام نمود و اکثر اعضا، گروپ پرچم را بحیث معافون مدراعظم، وزیر، معین، والی، ولسوال و امثال اینها در اکثره واش مرکزی و ایالتی به کار گماشتند، مانند: جیلان باختی بحیث وزیر نزلعت امروز سفیر در چهارستان، نعمت الله پژوک بحیث وزیر معارف امروز وزیر مشاور، حسن شرق معافون صدراعظم امروز سفیر در دهلي، جلالر وزیر تجارت حالا هم وزیر تجارت، فيض محمد مسعود وزیر داخله، در کابینه بیرون بحیث وزیر سجدات، محتاط وزیر خبراء حالا سفیر چهارپاپان پادشاه گل بحیث سفیر، عبدالسلام والي بادغیس حالا سکریت جذال سه می‌آشت، عبدالهادی مکمل معین وزارت سجدات حالا سفیر در بغداد سلام خورد سر میس عمری تجارت خارجی، حالا معین وزارت تجارت، سید عبد الرزاق عابدی والي کندوز حالا رئیس تشریفات وزارت خارجه - و باز سفیر در ترکیه، شاه محمد دوست قونسل پشاور حالا وزیر خارجه و امثال اینها در وزارت‌خانه‌ها، دوانس مرکزی، ولایات و ممالک رسماً مقرر شدند. داود در اخیر زمامداری خود بفکرا فتاد که در پهلوی کمک‌ها و سرمایه گذاری شور وی از چین، چاپان، ایران - پاکستان، عالک عربی و هند هم کمک‌های اقتصادی مطالبه و دست به تلاشهای چندی زد. رو سها نه تنها تلاشهای اخیر داود رانه پستندید

بلکه بوسیله عین افسران کمونیست حکومتی خوینن دیگر را براه انداخت و قدرت سیاسی را از دارای غاصب و به گروپ خلق او پرچم - سپرده، متحمل مدد همانفرمایین نظامی و ملکی روسیه شوروی به اتفاق نستان وارد و در حممه دوازده مرکزی و ولایتی دست به کار شدند و هیچ قدمی بدون مشوره و صوابدید مشاریین روسی برداشته نمیشد و نخیسود.

نورمحمد تره کی بحیث رئیس شورای انقلابی و صدراعظم ویرک کارمل بحیث معاون شورای انقلابی و معاون صدراعظم و حفیظ الله امین بحیث وزیر خارجه و معاون صدراعظم و عده دیگر بحیث اعضاء کابینه اعلان گردیدند.

کمونیست ها در تیوری معتقد به اصل عدم تاثیر شخصیت در - تاریخ و لزوم محرومیت از دراجتاع هستند ولی مدیحه گرفتی هایی که در مطبوعات و رادیوهای کشورهای غیرکمونیست در وصف شخصیت ها اغمام میگردند در هیچ یک از کشورهای غیرکمونیست که رژیم شان رسوی ترجیه به شخصیت ها بنا شده دیده نمیشود. من بیاد دارم که روزی اخبار حکیمان ایرانی داود را نسبت داشتن القاب و عنوانیت زیاد که خدای بی چون و چرا افغانستان میگفت. ولی نهایتی که خلقی ها پرچمی ها نورمحمد تره کی را خلاق بن رگ، رهبر بن رگ، پیشوای بن رگ، معلم دانا استاد توانا، فیلسوف، نابغه، قهرمان و امثال اینها خطاب میکرد واقعهً القاب خان بهادر های هند و داود که خدای بی چون و چرا از یاد می - برآمد. تره کی خرد را در بهشت موعود کمونیست ها خواهد بید و هفتند و

پنجاه ملیون افغان را در ترمیم قصر تپه تاجیگ، مطبخ های خیلی عمری
تشنابهای شاهانه و دیگر تزئینات قصر و نه « ۹ کیلومتر » دیوار بود
تپه که با وسایل الکترونیکی مجذب بود، مصرف و بهشت موعودی را برای
قهرمان تره کی که با حفیظ الله امین ناضن و بیشه بود، ساخت و چهارمده
هفتاد مزار قطعه عکس های کلان و خورده تره کی را وزارت اطلاعات
و کلتور چاپ و بداخل وخارج توزیع نمود، و برای تجلیل روز تولد
دروغین خود « که در کتاب او سینی لیکوال بیشتر برج میزان و شهی میمنه
و در بیوگرافی زمان قدرت خود تولد خوش را برج سلطان و سرکلی نامه
گفت » کیک هشت متره را فرمایش داده و هزارها خانم و دختر خلق و
پرچمی را با جوانان خلق و پرچم و سوسن های متعدد در باغ ارگ دعوت
و با صرف ملیونها افغانی شب را در بهشت موعود کمونیزم باعیش و نوش
صیع کردند. دندهای خود را هه طلا و ساعت با قاب و زنجیر طلابدست
میکرد.

تره کی در برج قوبی سال ۱۳۵۲ هـ. ش مطابق دسمبر ۱۹۷۱ع به -
ماسکورفت و معاهده دوستی بیست « ۲۰ » ساله را با بریتنی امضا نمود
در مارچ ۱۹۷۹ء مستبد و خرخوار دیگر بنام حفیظ الله امین مقام صدر اعظم
را از تره کی گرفت و خود بحیث صدراعظم اعلان شد در سپتامبر سال ۱۹۷۹ع -
زمانیکه تره کی از جلسه ممالک غیر منسلک ان هوانا به ماسکرو باز به کابل
برگشت، امین بر تره کی مشکوک شده، بلادرنگ بعد از فاصله کوتاه بس
دهن بت سرگینی متكله ماند و نقش وی را بصورت غیوظی از آن بت سرگینی
بلد آورد. حینکه تره کی چشم های سبز شوروی مانند را از جهان پوشید -

امین همه قدرت را بیدون سرقب در خود مترکن ساخته خود را مانتد تیتو از تاثیر ماسکر دور نگیریکرد. مگر خبر نه برد که بریز نیف بیرون کارمل و یاران وی را در کمین نگهداشتند. مناسبات امین با روسها کمی قیرو شد و یوزانوف سفیر مشرسوی از افغانستان برفت. چون روسها از مدتها طولانی به اینطرف بمنظر لشکر کشی به افغانستان پیشرفت - بطبق اهداف دیگر خود در افغانستان سرمایه گذاری مادی و تیوریکی نموده بود، فلهذا فرست راغنیت داشته از یک طرف برای ازین بدن تیتوی ثانی «امین» و از جانب دیگر برای اشغال کامل افغانستان - یکمدوده هزار عسکر تانکدل، ترور هدان، با فرقه های که به سلاحهای حیمیاوی مسلح اند به کشور آزاد و مستقل مان پیاده و همه مرانگ نظایر و نقاط مسترا تیزیکی و مراکز ولایات را بشمول کابل اشغال و بیرون کارمل را بعد از اشغال ملکت وارث تاج و تخت گفته و برای اغفال جهانیان بمن کرسی بنشاند.

اما از تاریخ ۷ شهر سال ۱۳۵۲ ه.ش که گروه پرچم و خلق به هدایت و حمایت روسها قدرت سیاسی را در نتیجه کودتای خونین غصب و بلاد درنگ معاوین و مشاورین ملکی و نظامی روسیه به مملکت وارد و دست به کار مشکند، از همان تاریخ این عمل خدمتی که بر بیری روسها ناخدا صورت گرفت، موجب قیام همگان و عمومی ملت مسلمان و آزاد منش افغانستان گردید، و متصل آن فرزندان دلیل و فدایان راه آزادی وطن برفند کعنیست ها وارد میدان نبرد و پیکار شدند. لیکن تنه کسی و امین و کمیته مرکزی آن به هدایت روسهای ملعده مرتكب جرایم و جنایات نابخشودمنی

ذیل گردیدند:

۱- کمونیست‌ها در روزهای اول غصب قدرت سیاسی، روحانیون علماء، خوانین، سروی شناس، استادان، معلمین، صاحب منصبان اردویم از خورد و بزرگ، مامورین برحال، مامورین مقاعد، حتی معلمین و معلمین مکاتب را که مخالف نظام حکومتی بودند یکی بعد دیگر مندان پلچرخی محبوس و از آنجا هر شب مدهانت را بیرون کشیده در خندق های عقب قوای ۴ چهار نزدیک و قوای ۱۵ پاتزده پلچرخی تیز باران و یا زنده بوسیله بلدوئن‌ها نیرخاک کردند.

۲- حکومت‌ها بیش از دو هزار صاحب منصب اردو، شرکت‌دار و پولیس را بلا استئنی و بدون اثبات جرم به زندان پلچرخی محبوس و بعد از آنها را دسته دسته به قتل‌گاه تیرباران و بخاک سپردند.

۳- بیش از پنج هزار استادان پوهنتون، معلمین لیسه‌ها، مکاتب متوجهه و ابتدائیه یا کشته شدند یا زندانی گردیدند و یا از مملکت قرار گرفته بخارج متواری شدند.

۴- بیش از دو هزار دوکتور و طبیب یا بی‌رحمانه و بدون اثبات جرم و بدون محکمه کشته شدند یا در زندان بسی بزند و یا از وطن به هر چهار گردیدند.

در مقابل این وحشت و ببریت حکومت‌ها مبارزات فرزندان اصیل و مسلمان وطن سوز بروز منظم تر و موثر تر شده رفت چنانچه جا- هدین در اغاز نبرد تراوستند قوت‌های حکومت‌ها در محلات دو ریست یکی بعد دیگر متلاشی و مغلوب نموده سلاحهای قابل ملاحظه را از آنها

به غنیمت برداشت و همه علاالت دو رتاز مرآکن عمری را از تسلط خلق
و پرچم آزاد و خود بجهادین تا امروز بمنالات مسلط اند.

۵— در ۱۴ حوت سال اول حکومتای کمونستی عده کثیری از مسلحه
منصبان و افراد فرقه هرات به ضد کمونست ها قیام سلحنه نموده و با
جهادین پیروستند و بیش از ده هزار تنگ، ماشیندار و دیگر مهمات
جنگی را در اختیار بجهادین گذاشتند. و در هنگام حرمنی که در قریه
سلاماسیع مریب ط هرات از طرف گروپ پرچم و خلق بوقوع پیوستند و
جرقه های آتش آن تازه لی کوت هرات کشید، رو سها سه شبانه روز
شهر هرات و قریه جات بجاور آن ترس طیانه های میگ و هلیکوپتر ها
که مستقیماً از روسیه پرواز میکرد بشدت هرچه تمامتر بمبارد مان و بیش
از چهل هزار تن زنان، طفلان، پیر مردان و جوانان را به قتل رساندند.

۶— در سال ۱۳۵۱ ه. ش غند بالاحمار کابل، فرقه ریشخوار بر ضد کمونست
ها قیام سلحنه نموده و گنبد آسمار کنزا کامل او با هم انواع اسلحه و
تجهیزات به بجهادین پیروستند، به صین ترتیب عده محدود از بجهادین سر
بکف بس و ز روشن بالای پسته های آمنیتی جاده میوند و چند اول عمله
برده همه سازمانهای ملی و پرچمی را با افسران آن کشته و مدد هایی
تنگ و ماشیندار را به غنیمت برداشت ولی تره کی ششتمد تقریبی گناه و بی
دفعه را از گرد و نواح جاده میوند و چند اول دستگیر و همه را در تقلگاه
تیرباران نمودند.

۷— سویاں اپریلیزم شوروی بتاریخ ۲۳ دسمبر ۱۹۲۹ مطابق
۷ جدی ۱۳۵۱ ه. ش عملاً به اشغال افغانستان اقدام و قوای تائیدار

و زرهدار را با فرقه های که به سلاحهای گیماوی مسلح بودند از طبق
هوا و زمین به گشتن ما وارد و بتاریخ ۲۲ دسمبر بالای قصر پهله.
تاجبیگ دارالامان که مقر حفظ الله امین بود از زمین و هو احمل بردند
و بیش از ۳۶ ساعت بین قوا روسیه که با پیشرفت ترین سلاحهای
عصری و سلاحهای متنوعه گیماوی بجهز بودند و گارد محافظ امین
چنان پیکار نبرد شدید و وام داشت که نظیر آن در جهات جنگ دوم
جهان تصور شده میتواند. چوت از یکطرف تراز ف قوا برآ برنه بود و -
قوا روسیه ده مرتبه بیشتر از گارد محافظ امین بود و از جانب دیگر
دعا طیار مگ و هلیکوپترهای توپدار، محافظین دامین، راتر سط بمب ها
نایاب، بمب های مسوم کننده و سوزننده خمپاره ها و توپها بشدت هرج
بیشتر بعباردمان کرده رفت تا اینکه اخیرین فرگارد محروم اجساد ممه
را خاکستر ساختند. میدانهای هوانی مشیندند، کندهار، بگرام و کابل
را با مرگز عمده نظامی و کابل را دیوارشغال و برکابل مسلط شدند.
۱- : بتاریخ ۲۳ حوت سال ۱۳۵۸ ه.ش مطابق ۲۲ فروردی ۱۹۷۸ هالی
شهر کابل بر علیه تجاوز شور و یها مظاهره بزرگی را بر پا نموده و با بلند
کردن مدادهای الله آکب در هر طرف شهر راه پیمان نمودند و شعار
میدادند که سوسمان از خاک ما برآیند ولی روسهای ناخدا و دست
پرس دگان آنها در حدود دو هزار نفر را بشمول متعلین مکاتب و
محصلین پوشانند بی رحمانه بطون وحشیانه تیر باران و قتل عام نمودند
به تعقیب آن شش هزار نفر را که در اجمله مشتمد نفر شاگرد های
خورد سال مکتب شامل بودند در محبس پلچرخی با وضع خیلی بدی نزدی

شکنجه و معذب منعو ند.

۹- در اوایل سال ۱۳۵۹ مطابق ۲۹ اپریل ۱۹۷۹ دخترهای لیسه^۱ ابعه بلغی بشمول معلمات لیسه سوریا بشکل اعتراف علیه تجاوز شورویها از لیسه های مذکور برآمده و بشمول شاگرد های دیگر مکاتب مظاهره کنان جانب پر هنtron راه پیمان منوره شعار داده میگفتند که روسمای متجاوز از خشونت را براید ولی در باغ پر هنtron در جوار مقبره سید جمال الدین افغانی تیرباران و گلوله باریمهای خیلی وحشیانه و ظالمانه - گمونست های ناخدا قارچ گرفته نامید قهرمان و سردار مظاهره - عظیم دختران و معلیین مکاتب را بشمول هشتاد نفر پس و دختر بشهادت رسانندند که بیش از نصف آنها دخترهای مکتب بودند.

۱۰- گمونست های ناخدا دهان نفر را در شهر هرات تخته به پشت - خوابانده بحضور خانم ها و اطفال معمصوم شان و دیگر مشاهدین، تانکمای زنجیر دار علی پیکر را بر سر وی سینه مردم گذشتند و همه را دسته دسته با خاک و خون خمیر میکردند.

۱۱- به تعقیب این حوادث روسمیه شوروی بر علاوه مدد های این مگ و ملیکو پت های ترپیدار و بیش از سه مد طیاره دیوپیکر را برای انتقال قوای پارا شوتی، تانکمای خفیف در بین دره های پر خشم و پسیع قله کرها، پهنه ها و جاهای صعب العبور و میدانهای وسیع و رساندند دیگر مهمات جنگی و احکامات نظامی خود در میدانهای هواشی بگرام کابل، سنگهار، پکتیا، قندهار، شیندند، مزار و کندوز متوجه کن ساخته و بیش از یک هزار مزارع سکر تانکدار، زرهدار و فرقه های مربوط به

سلحهای کیمیاواری را تحت رهبری بیش از دو مدد نفر مارشال‌ها و جزال‌های و رزیده زبده و کار از موده قوای زمینی و هوایی خود جهت سوپریوریات و عملیات جنگی در کابل و همه ولایات به کار گماشته و از یک طرف صاکر شوروی را در نقاط حساس و مرلخ مهم مظلای چابجا خوده رفته و از جانب دیگر میدانهای جدید طیارات در دشت خیلی مهم مارگه‌هله‌ند سرده و غیره مراکز بشدت اعمان و به ترسعه میدانهای سابقه و مهم نظامی مانند شیندنده، قندهان، مزار، کندوز، بگرام، کابل، منگهار و پکتیا بسیه ادامه داده و یشه‌های خود را در افغانستان عمیق تر و برای اهداف جهانگیری خود بحیث ابرقدرت حریف امریکا اماده‌گی‌های خیلی وسیع و همه جانبه را در بین حصار گستاخان افغانستان گرفته و رود، محلات و قریه جات خورد و بزرگ و منازل نشین مندم را در همه ولایات گشتر به تفصیل ذیل بمباردمان، تخریب و منهدم کرده رفته‌ند؛

۱- در ولایت کزه‌ها، اسلام، دانگام، بارگام، بروکوت، ویگل، کام‌تش شله، ولجه، بیرونک، برگمتال، مروره، سرکامنی، فرنگ خامی، کنون، فرنگل و دیگر قریه جات و محلات مربوط ولایت کزه‌ها را بشدت بمباردمان و هزاران انسان بی دفاع را بشهادت رساندند.

۲- در ولایت منگهار؛ سخزود، فتح‌آباد، گندمک، حصارک، بکوهله خنگیانی، قوره بوره، چپرهار، سرشاهی، اگام و پچین، کامه، همند قسمی از شینوار، بھسود و بعضی حصص دیگر مربوطات ولایت منگهار را دها بر از زمین و هوا ترسط بمبهای ناپاک، بعبهای خیلی بزرگ

و محزب ، تریهای ثقیل و دورانداخت بصورت خیلی وحشیانه ، ظالمانه و بی رحمانه بمار دمان تخریب و منهدم نموده ، هزارها ، اطفال ، زنان پیر مردان و جوانان را هلاک و همه خرمن ها و حاملات اهالی مناطق - مذکور اتش زده حریق کرده رفتند.

۱۴- در ولایت لفان : قریه جات خورد و بزرگ و منازل نشین مردم بی دفاع را هم در دره علیشتگ و هم در دره علیسگار و دیگر میوهات لعنان دها باز توسط طیارات مگ و هلیکوپتر های توپدار بشدت بغاره مان نموده دو ثلت قریه جات بی دفاع را با خاک یکسان ساخته و هزار ها انسان بی دفاع را هلاک و قسمت اعظم خرمن ها و دیگر حاملات نزاعی مردم را حریق ساخته رفتند.

۱۵- در اطراف کابل قریه جات سماک مشیره کی ، بیخ دره ، بچه های شینه ، هود خیل ، ده یمی ، قره دشمن حضوراً دره ها سرسیز و خرم - پغمات و قریه جات خورد و بزرگ ، با غما و منال نشین مردم را در داخل دره ها و دامنه آن چندین هرتابه توسط تریهای ثقیل دورانداز ، طیارات مگ و هلیکوپتر های توپدار بشدت هرجه بیشتر بمار دمان تخریب و منهدم ساخته رفتند.

۱۶- در ولایت پروان : قلعه هراد بیگ . قریه جات اطراف کاریز میں ، حسین خربت ، میر عصی کربت ، شکر دره ، گل دره ، کلکان ، قره باغ ، استالف توپدره ، اطراف چاریکار ، جبل السراج ، خوہستان ، قریه جات اطراف میلان هواشمی بیگرام . کوه صافی ، تکاب و نجفاب ، دره پنجشیر ، دره غور بند و - قریه جات نزدیک مرکز با میان را دها بار از زمین و مواثق تراش تریهای

شقیل و طیارات مگ و هلیکوپترها گرفته اکثر آقریه جات را بشمول باغها و منازل رهایش مردم تغذیب و منهد نموده خرمن ها و دیگر ها حاملات زراعتی و باغی مردم را حریق و هزارها طفلان، زنان، پیرمردان و جوانان بی دفاع را بصورت خیلی وحشیانه هلاک نمودند.

۱۷- در ولایت بغلان: قریه جات مریبوط ولسوالی اندراب، دوشی، کلگ، نهرین، برگه، دهنگ غوری، بالادوری، چشمہ شیر، بغلان جدید و کمنه، کرکچهار، جرخشک و امثال اینها با قریه های دیگر ولایت بغلان را ترپهای شقیل، طیارات مگ و هلیکوپترها باشدت بجاردمان و اکثر قریه جات را با خاک یکسان ساختند. خرمن ها و حاملات زراعتی زیاد مردم را اتش زده هزارها مردان و زنان، خبر و سالان و محلان سالان را بصورت خیلی وحشیانه، ظالمانه و بی امان کشته بخاک و خون غلطانده سفقتند.

۱۸- در ولایت کندوز: شهر کرچک خان آباد و قریه جات اطراف آن را با چهار دره، علی آباد، پل از قلان، گورتیپه، تربمه کش، قلعه زال، - کندھاریها، ارجی، شاهروان قریه جات مریبوط ولسوالی حضرت امام ماجد و غیره را چندین مرتبه طرف تهاجم وحشیانه ترپهای شقیل و بمباردمان بی امان قرار داده، بیش از نصف منازل رهایش مردم را تغذیب خرمن ها و فصل های زراعتی را حریق و هزارها انسان بی دفاع را هلاک و کشتند.

۱۹- در ولایت تخار: قریه جات دور طرف دریایی تالقان و دریایی بگی اشکش، چال، فرخار، خرست و فرنگ، دشت قله، اهی قلعه و - روستاق را ده بار بمباردمان منازل رهایش مردم بی دفاع را

منهم ، فصل‌ها ، خامن و حاملات زراعی راه‌حریق و هزاره‌امروزن
و اطفال بی‌گناه را بصیرت و حشیانه کشته بخاک و جنون خلطاندند .

۶۰ - ولایت بدخشنان : تمام سکنه پامیں یا بام دنیای مربوط ولایت بدخشا
افغانستان را یا کشتند و یا باز ور برچه از منازل و خانه‌هایشان بیرون
راندند که عده از آنها به پا گشتن رفتند و عده دیگر در ترکیه پناه
بردند و منطقه پامیر را بطول بیش از یک‌مدو پنجاه کیلومتر تراز دیکهای
اشکاشم ضمیمه خاک روسیه ساخت و دیگر معالات بدخشنان را مانند
جرم ، بارک ، کشم ، و دیگر قریه جات را بشدت تخیب هزاره‌انسان را
به هلاکت رساندند .

۶۱ - در ولایت سمنگان : حضرت سلطان ، دره صرف ، صیاد ، کهنه قشلاق
خلم و امثال اینها قریه جات خورد و بزرگ را بزمیله ترپهای ثقيل طبله
مگ و هلیکر پتھای توپدار بشدت بمباردمان و صندھا ها طفل وزن پیش
مردان بی دفاع را بشهادت رساندند ، خمن‌ها و فصل‌ها مردم راه‌حریق و
منازل رهایش شان را ویران و تخرب کردند .

۶۲ - در ولایت مزار شریف : شولگه ، چمتال ، بلغ ، چهابولک ، دولت آباد
چارکت و دیگر قریه جات را بشدت بمباردمان و صندھا انسانهای بی دفعه
را اعم از اطفال خورد ، ننان و پیش مردان را هلاک و منازل رهایش اهالی
را در قریه جات خورد و بزرگ نهنلمن نمرده خمن‌ها و حاملات اهالی را
آتش زده رفتند .

۶۳ - در ولایت جوزجان : مرکز شهرستان ، اقچه ، سنگچارک و قریه جات
خورد و بزرگ دوز افتاده ولایت مذکور را طرف اتش ترپهای شقید

و دور زن بمباردمان طیارات مگ و هلیکوپترهای توپدار که مستقیماً از شور وی پر روان میکند قرار داده، عدهٔ کثیری از اهالی بی دفاع را ملاک خانه‌ها و منازل شان را تخریب و خرمن‌ها و حاملات دیگرانها را حریق و خاکستر ساختند.

۲۴— در ولایت فاریاب: - بلچراغ، میته قسم مرکز فاریاب، پینتوون کوت اندخوی مینه، شیرین تکاب و رحمت آباد و دیگر قریه جات دور و نزدیک ولایت فاریاب را چندین مرتبه بمباردمان و طرف اتش قرار داده مدها خانه را ویران و مدها انسانهای بی دفاع را بشمول اطفال خورد - سال، زنان و پیرمردان ملاک و همه حاملات و خرمن‌های اهالی را حریق نموده رفتند.

۲۵— در ولایت بادغیس: - قلعه‌نر، قادس، آبشار، بالامغاب، غورملج کشک کهنه و امثال آن قریه جات اطراف آن را با سنگرهای بنا هدین برسیله طیارات بمب انداز و هلیکوپترهای توپدار و توپهای ثقیل دور زن چندین مرتبه بمبارد و مدها خانه و کاشانه و کدام را ویران و مدها اطفال زنان و پیرمردان بی دفاع را بصورت ظالمانه ووحشیانه ملاک و همه خرمن‌های مردم را حریق و خاکستر ساخته رفتند.

۲۶— در ولایت هرات: - شهر فهرمان هرات که زمانی مرکز سلاطین باستان بود، شاهد جوی‌های خون، شاهد حمام‌های خون، شاهد زندگانی نزیر تانکماکردن انسانهای ازاد منش و شاهد قتل عام ما در مساجد، شاهد مدها جرم و جنایات پلید، و شاهد هنگز حرمت‌ها، بی سریعا، چور و چپاول و غارتگری هاست، تنها در حادثه حوت سال ۱۳۵۷ ه.ش بیش

از چهل هزار نفر و بتأريخ ۳ و ۴ و ۵ شور سال ۱۳۶۲ هـ.ش بيش از چهار
 هزار انسان در شهر قهرمان هرات و مربوطات آن و جمله بيش از -
 هفتاد هزار انسان از اغاز گودتاي ۷ شور ۱۳۵۷ به ۱ ینظر در مرکز
 شهر و مربوطات آن مانند: گلران، رنجيل، سياوشان، زيارت جاه،
 گذره، ميرداوُد، پښتون، رغون، سلما و سليمي، شکيان، زنده جان
 معينك، صوفى گرياس، ازادان، صوفى سلطان، برمان، پل باع زبilde
 محله ساروانها، کارتنه، اوبي، ڪو هستان، کرخ، قلعه نرو، امثال اينها
 بوسيله بمبادران طيارات بم افگن، هليکوپترکه مستيقاً از خان شرقي
 پروان ميکرد و اتش تربيه اي ثقيل دور زن، خميانها و انواع سلاحها
 ممنوعه ڪيمياوري بشمول اطفال خورد سال، زنان، پير مردان و جوانان
 به قتل رسيده است، مدها قريه جات، باغها و خانه هاي نشيمن -
 مردمان بي دفاع ويران و همه خرهان هاي اهالي راحيق و قسمت اعظم
 داراني، زيرات، پول و سامان ولوازم قيمتی خانه هاي مردم را -
 چور و چپاول گرده به غارت برداشتند.
 ۲۷: ولایت فراه: - مرکز فراه، بالابلوک، قلعه کاه، خاک سفید، سرخبل
 دلارام، گلستان، پرجعن، مشينه نده، اثار دره و امثال اينها قريه جات -
 و محالات منبوط فراه نيز شاهد نبردهاي خرينين، بمبادران هاي -
 و حشيانه و ظالغانه رو سهابوده صد ها اطفال، زنان و مردان
 پير و جوان در نتيجه آتش تربيه اي ثقيل دور زن و بمبادران -
 طيارات مگ به قتل رسيده خانه ها و منازل رهایش مردم را بخان
 يكسان ساخته خرهان ها و حاملات مردم راحيق كرده رفتند.

۱۱- در ولایت هلمند: - رو سه محلات ولایت هلمند را مانند: کجکی موسی قلعه، نوزاد، سنجن، یغچال، نادعلی، در ویشان، جانشین، دیشو و امثال اینها را بوسیله طیارات مگ چنگی، هلیکوپترهای توپدار، ترپهای ثقيل دور زن چندین مرتبه تحت اتش گرفته صد هاخانه را ویران و هزارها انسان بی دفاع را بی رحمانه قتل و همه حاملات آنها را چندین مرتبه حریق و خاکستر منمودند.

۱۲- ولایت نیمروز: در طول سه و نیم سال گذشته رو سه اچنین مرتبه بغرق سرکوبی جاهدین دلیر و شجاع وطن در کرکی، چغانور گنگ، زربنچ، خوابگاه، میرآباد، چاربرجک و دیگر محلات و قریه‌جات نیمروز سوتیات و تعریفات گستردۀ نموده، صدها خانه و منازل رهایش مردم را به سیله بغاره‌مان طیارات بم افگن، هلیکوپترهای فرشیدار و توپدار و ترپهای ثقيل و خفیف منهدم و هزارهانف اولاد بی دفاع وطن را هر بار کشتار منموده همه حاملات و خونهای مردم را حریق ساختند.

۱۳- در ولایت قندهار: - دو مین شهر بزرگ افغانستان خوابگاه راد مردان بزرگ مانند: احمدشاه با با و میر ویس نیکه میباشد. قراچ خیل بزرگ سو سیال امپریالیزم شوروی در میدان هواشی قندهار و در قشله عسکری شهر قندهار متکرز هستند، گاه گاه در میرون شهر قندهار مانند ارغنداب، سرداب، دهله، ارغستان، میزان، میوند، کشك خود، پنجواشی، حوض مدت، دامان، کزرا، خاکریز و غیره محلات نبردهای خونین بین جاهدین و قواهای خیلی بجهن روسیه در میگیرد ولی اکثر آ- جاهدین بر یک قسمت از شهر قندهار و گاه گاه بر همه شهر کهنه قندهار

سلط شده در کوچه و بازار قند هار جنگهای تن به تن صورت میگیرد، با-
کمال تاسف که تعادل قوا موجود نیست بجهادین جز سلاحهای خفیف دیگر
چیز در اختیار ندارند مگر قوای تانکدار و نزد هدار شور وی با پیشتره
ترین سلاحهای روز و سلاحهای معنوعه کیمیا وی محظوظ بوده بقدرت
تانکهای زربپوش ها که از طرف طیارات مگ و هلیکوپترهای زرهدار
و توپدار حمایه و بد رقه میشوند و به لحاظ عدد هم افزونی دارند
از آنها در میدان نبرد تلفات سنگینی را به بجهادین وارد و اکثرخانه
ها، قریه جات دور و تزدیک با غنا، تاکستانها را تخریب و منهدم نموده
هزارها انسان های بی دفاع را بشمول اطفال خورد سال، زنان، پیر
مردان و جوانان را هلاک حاصلات و خرمن ها را آتش می زند.

-۳۱- در ولایت زابل:- محلات و قریه جات زابل مانند شهر مفا، جلدک
قلات، میزانی، شنک، ارغنداب، شاجوی، ده چوبان و امثال اینها
بارها از طرف قوامی هوانی و توپدار روسیه شور وی بشدت هرچه
بیشتر بعباردمان و هزارها انسانخانه بی دفاع اعم از اطفال، زنان
پیر مردان و جوانان بقتل رسیده مددخانه منهدم و قسمت خرمنها
وحاصلات مردم را حریق ساخته می روند.

-۳۲- در ولایت پکتیکا:- رو سهادها با سروقیات و تطبیقات جنگ را
در قسمت کهتوان ولایت پکتیکا وار گشون انجام داده قریه جات و محلات
الى الذکر را مانند شرن، یوسف خیل، یحیی خیل، بکر خیل، جامنی خیل،
معروف خیل، ملک دین، ناوه، مرجانه، واخواه و امثال اینها را توسط
طیارات بم افگن هلیکوپترهای زرهدار و توپهای ثقيل دورزن و

و ترپهای خفیف بشدت بمبارد و مدها قریه را بگان برآبر و هزارها انسان بی دفاع را قتل خرمن ها و حاملات مردم حريق شده می روید. -۴۲ - در ولایت غزنی، شهر غزنی که خوابگاه سلطان محمود بت شکن است با قریه جات و حالات مربوط آن مانند: مقر، قره باغ، شنکی، گیلان، علم چل، بازکی، اویند، موشکی، کنسف، شلگر، گیرو، نان، رفاحیل، رامک، روضه، ارزو شالع لقبات و رباط، جفتی غزنی خواجه عمری، و امثال آنها مشاهد جوی های خون، شاهد قتل عام ها، و شاهد تیرباران های دسته جمعی است. روسهای ظالم چنان زنان، اطفال خورد پیر و جوان را قتل عام کردند که خاطرات تلغی و نتیجه هلاکو، چنگین و هتلر را از یاد می برد. در قریه رباط غزنی سی و پنج تن را بنام جرگه از بین قریه بطرف غزنی می اورد ولی هرسی و پنج آنوارا در منزد یکی قریه رامک تیرباران و در یک چاه فرو ریختند. همچین چهل و هفت تقدیگر را که از خوف گرفتاری در صوف کاریز شلگر پنهان شده بودند عمه آنها را ترسط بمب های ممنوعه - کیمیاوی مسموم و مثل دود سیاه ساخته کشتد. در مقر نیز پنجاه نفر زن و دختر که از خوف گرفتاری بداخل صوف کاریز مقر پنهان شدند ترسط بمب های کیمیاوی در بین صوف کاریز هلاک گردیدند و تمام قریه جات و بسیاری اندرون قریه جات مربوطه مقرر اینچه بشدت ترسط هیلات مگ و هلیکوپترها بمبارد کرده اند که ثلث خانه های اکثر قریه جات بکل ویران و هزارها اطفال و زنان و پیرمردان را قتل عام و یا تیرباران کرده رفته اند. خرمن ها و حاملات مردم را حريق و هرچه در دست شان

افتاد همه را به غارت بردند.

۴- در ولایت پکتیا، در ولایت پکتیا قریه جات معوزانی، اوپریا خل استوگن خندق، سرکی، شاهی کوت، سپین تخت، ارمه مربوط و لسوالی زست، رو د احمدزاده، چلغو، اکثر قریه جات طرطاخبل، زاره، دره، غلگی و شواک جد ران و گاه گاه قسمی از جابجی و منگل و بعضی حصص چمکنی، صبری، هاروفن چبل، گربز، فریزه، لالیشه درگی و بعضی حصص دیگر خوست، ارگون، سروبی، سلطانی و امثال اینها شاهد جنگهای خیلی شدید و خونین و شاهد هزار ما جوان، پیرمردان، اطفال و زنان بود که دسته دسته بیرون باران و یا در تیجه بعبار دمانهای خیلی وحشیانه بخاک و خون غلطیدند. با قریه هارا از طرف شب در روشنی خرومن های حریق شده دن شرعت بمبادرمان نمودند. در سال ۱۳۵۸ بعد از یک تهاجم سه جابه سه فرقه از طرف کتوان، غزنه و گردیز بالای زرمت، مردم انجا نسبت که سلاحهای موخر در اختیار نداشتند زرمت را تخلیه و بطرف پاکستان هجرت نمودند و سرابع حاصلات و خرومن های باقیمانده از حریق تخت بر فهای زستان پرسیده و گنده شدند و معچین ۷۵، نفر بزرگان اقوام مختلف زرمت در سال ۱۳۵۸ ادستگیر که تا حال سرنوشت شان معلوم نیست.

۵- در ولایت لوگ، که به بیست و پنج کیلومتری جنوب شهر کابل و به امتداد منطقه چهار آسیاب شمالاً و جنوباً به دو طرف دریایی لوگ و سرک کابل پکتیا تا چرخ و خوار امتداد دارد شاهد قتل

عام‌ها، شاهد بمبار دعائی‌ای خیلی ظالumanه و وحشیانه و شاهد انتقام.
 قریه جات و جنگل‌های غلو دو هرف سرک تاپل علم بوده، رسواه‌زاران
 ها انسان را بشکل خیلی و حشیانه و ظالumanه کشتند. منازل رهایش مردم
 را منهم، خرمن‌ها و حاصلات زراعتی را حریق، جنگل‌ها و باعها را از بین
 و بن برکنده. همه را تخریب و نابود نمودند. دو ثلث قریه جات چرخ
 مشعران، تنگی، قلعه سردار، پاخنواب روفنی، پاخنواب شانه، برگی
 او منی سیدان، پل علم، منگوچیل، کلنگان، محمد آغه، تنگی و اغجان،
 ده من، عینک، زرگرن شهر و ده قریه جات دیگر را ویران و بخاک
 یکسان ساخته‌اند، رسواهای یکمدو پنج نفر را در سال ۱۳۶۱ ه. ش.
 در صوف کاریز پاخنواب یکی اسعمون و هلاک نمودند. همه انواع بمباء
 ناپاک، بمب‌های ممنوعه کیمیاواری، سوزنده و خفه کشته را در سرتاسر
 مملکت استفاده و انسانهای بی دفاع را بخاک و خرمن غلطاندند.

— در ولایت میدان و وردک، قشون شور وی چندین بار در هر برو
 دره زادگاه را د مرد بزرگ غازی محمد جان خان مجرم حمله برد و قریه جات
 چک وردک، دی میرداد، بوم، سمنگ، جفتوری وردک، شش گاو، هفت
 آسیاب، ملی خیل، سالار، سیدآباد، شیخ آباد، قوب و قریه جات میدانها
 مثل درامی، منخ، کوت اش رو، سنگلاع، حکوتل اوینی، سرچشم و غیره قریه
 جات متعدد را تحت آتش ترپخانه ثقیل، قوبهای خفیف و بمبار دمان طیارات
 مگ و هلیکوپترهای ترپدار قرار داده، دو ثلث منازل و خانه‌های رهایش
 مردم را تخریب و مسدحه نظری دفاع را بشمول اطفال، زنان، و پیر
 مردان هلاک و خرمن‌ها و حاصلات عامه مردم را حریق و خاکستر ساختند

- ۳۷- روسها در سال ۱۳۵۱ ه.ش بیست و یک تیر، لف بزرگان قوم
جدران را بلا استثنی و بدون اثبات جرم و بدون حکم در حبس
گردیدند یکجا تین باران نمودند.
- ۳۸- روسهای ظالم در برج شور سال ۱۳۶۲ ه.ش در کارت هرات می
باشند، تقریباً در داخل مسجد و در حالیکه مشغول ادای نماز فرض بودند
یکجا تین باران و به شهادت رسانندند.
- ۳۹- روسهای پلید و ملحد در برج شور سال ۱۳۶۲ ه.ش قریه
جاتی را که در بیست و سی کیلومتری شمال شهر کابل واقع اند مانند
قلعه مراد بیگ، کلکان، شکر دنه، محل دنه، قره باخ و مریبوط آنها را
تا چار بیکار توسط بمب های ناپاپ، بمب های منزوعه کیمیا وی سورزنه
و خفه کننده برای یک هفته مسلسل و بشدت هرچه بیشتر بمعابر دمان
و صدها خانه، متول راهایش و قریه جات را تخریب و منهدم نموده
بیش از سه هزار اطفال، زنان، پیر مردان و جوانان بی دفاع را-
هلاک نمودند.
- ۴۰- کمونیست ها روی تبعیفات قومی و ملی و روی مخالفت های
شخصی و بد بینی های ذات البینی هزارهان تقریباً در همه ولایات و مرکز
بشكل خیلی وحشیانه و بی رحمانه قتل و از بین برداشتند.
- ۴۱- روسهای کمونیست ها برای حفظ موجودیت و تو سی از مرگ
ناگهانی، نه تنها با از بین بردن غالین خود آکتفا نمیکنند بلکه مدها
نفر همستانگ و مبارز خویش را یکی بعد دیگر به قتل گاه روانه ساختند
و چنان وحشت و تذویر را راه انداده اند و چنان ژاندارم و پولیس

خاد و کی جی بی را برمقرارات مردمان جمع شده در شهر هامستولی نموده اند که تاریخ رو سها بیش از این وحشت و ترور را بیاد ندانند.

۴۲- جاسوسی و خبرچینی به تفع پولیس مخفی شوروی بجای فعالیت و درستکاری بهترین راه ترقی است. برادر به برادر، پسر به پدر زن و شوهر نسبت بهم و ماتنده خود رو سها هه نسبت بهمه مظموث هستند. اعتقاد بین افراد یک اجتماع که پایه همکاری صمیمانه و امنیت است جای خود را بیک سوئلن عیق که حتی به کردکان هم سایت کرده خالی نموده است، در نتیجه هر کس به فکر خود و مراقب خودش بوده و مرف یک نوع یگانگی تواافق ساختگی و ظاهری بین افراد به نظر می- رسد که باهن آن را بد بینی تشکیل داده است. و هر کس که مورد سوئلن مقامات پولیس مخفی قرار گرد سرنوشت بدی در انتظار اوست و اگر کسی اظهار نظر و ابراز شخصیت کند و بخواهد زمین باز دستورات غلط منزد اخلاقگر و مخالف رژیم سوسیالستی شوروی معرفه و سرنوشت تاریک و مبهمی در انتظار او خواهد برد.

۴۳- سازمانهای پولیس سیاسی کی جی بی و خاد افکار و عقاید عمومی را تفتیش میکند و کرجکترین مخالفت یا اعتراضی که احتمالاً بر مصالح شورویها وارد آورده، از نظر سازمان کی جی بی و خاد، دهنمانده خاطی را طرف استنطاق، شکنجه، زجر و عذاب قرار داده - زندانی میدارند. و هیچ قدرت دیگری وجود ندارد که از تجاوز و تعدی، ظلم و وحشت و بالآخر جلام گیفتگی رو سهای ظالم و

کمونست های اجیر آنها جلوگیری و یا آن را تغذیل نماید.
 ۴۴- هزارها استاد پر هنرمندانها، داکترها، معلمان، مامورین وزارت خارجه و دیگر موسسات دولتی و غیر دولتی، حملین، متعلمین جوانان و فارغان مست دروازده ۱۹۰۰ و بالاتر از آنها نسبت نظام وظیفه جبری از مملکت فار منفرد و یا در حالاتی که تحت سلطه روسها نیست متواری پر اگذشده رفتند، در سال ۱۳۶۱ به هیچ راحدی از فارغان مست دروازه ذکور اجازه مندادند کما قانون سابق بعد سپری نمودن امتحان کانکور بفری کسب تحصیلات عالی به پرهنتون برند.

۴۵- سو سیال امپرالیزم شوروی حرص پا میرات من بوظولایت بد خشان کشور مان را که بنام بام دنیا یاد می شود به عرض های مختلف و طول بیش از یکصد و پنجاه کیلومتر تا قزاق دیکی های اشکاشم از خاک افغانستان جدا کرده سرحد افغانستان را در حصه پا مین با چین بسته و ساکنین بومی آن سر زمین را یا کشند و یا قهرآزان مازل و خانه های شان بدوز را نده و منطقه مذکور راضمیمه امپراطوری روسیه ساخت چنانچه عده از باشندگان آن منطقه به مملکت بر لبر ماتر کیه برند.

۴۶- رو سهای اشغالگر و توسعه جویی شوروی هر شش ماه یکصد هزار عسکر روسی و متحده خود را با عسکر حیربائی ها از یکطرف برای سرکوب کردن قیام همگانی و عمومی افغان های آزاد منش و از جانب دیگر برای کسب تعبیریات و تطبیقات جنگی در میدان های وسیع، که راه و دره های کوهستان و صعب العبور، به افغانستان وارد، و بعد

یک سلسله تطبيقات و عمليات جنگی ، سوقيات و اجرای تكتيکهای مختلف -
جنگهاى کورلانی و ميدانی در ساحة نبرد و پیکار دو باه به روسie
بر میگرداستند و عرض آن يكمد هزار عسکر جوان و تانه دم د يگر را باز
ديگر باز برای سرکوب منعدن مبارزین راه آزادی و آموختن تجربیات
و تطبيقات جنگی به افغانستان پیاده مينمایند و در حلول سه و نيم
سال بيش از ششصد هزار عسکر سوسيال اميراليزم سوروي و
مقدین آن آمد و رفت نمودند .

-۴۲- روسie سوروي از سوی تجاوز و تخلي خرد به کشور آزاد
و مستقل مان افغانستان حليل به عجله به اعمار سنگهای نظامی
قشه های عسکری ، ترسعه میدانهای هوائی همه ولايات کشور و امار
ميدانهای جدید هوائي و اعمار ميدان هوائي بزرگ در داشت
مارگو ولايت هلمند ، و جابجا نمودن را دارها ، و قرارگاههای نظامی
و امثال اينها فعالیت های حليل و سبع و دامنه داری را اغاز نموده
و هرچه زود تر ممکن است يك بعد ديگر اعمار کرده می روند .

-۴۳- روسها از مدت طولاني به اينطرف برای به وجوده اوردن
يک مملکت جداگانه بنام بلورچستان بوده سی جمیله بخرج ميدهد
تا مناطق بلرج نشين را از ايرلن ، افغانستان و پاکستان بجز اساخته
يک کشور ديگری را به ر هنائی و حمايت كامل سوسيال اميراليزم
شوروي بنام بلورچستان خلق و چنان زود تر بكمك شان بشتابند
مثل که در كابل عروشك های دست نشانده خود ، در مقابل تجاوز
خيال اميراليزم امريكا ، شورويزم چين و ارتجاع منطقه مشتافتند

و برای برآوردن این منظر رشوم و نتیجه خود همین الان با سران چندی از قبایل بلوج پاکستان در کابل سرگرم طرح ریزی مراجعت خود در این زمینه هستند.

۴۹ - قوای سفاک و خونخوار رو سیه شوروی که باعمری ترین و پیشرفته ترین سلاحهای روز و سلاحهای کمیاری مصنوعه جمهز هستند، از ۲۷ دسمبر ۱۹۷۹ به این طرف مستقیماً بصورت خیلی وحشیانه و بی رحمانه سنگرهای فرشیدان راه آزادی و برادران مسلمان و بی دفاع کشورمان را بشلت بمبارد کرده و هرسوزندها حق بمبهای ناپال بمبهای کمیاری مصنوعه وغیره باز، بمبهای خفه کشته و بمبهای سوزنده را در دهکده ها، قیه جات، منازل رهایش، باگستانها، تاکستانها، مزارع، دره های مرسبن و خرم و جنگل دار ۲۹ ولايات - مملکت مان ریختانده بیرون، هزارها خانه، قلعه، منازل رهایش کلبه های نشیمن مردم را بشمول باغها و تاکستانها و مزارع بزرگ تخریب و منهدم کرده بخانه یکسان نمودند. و همه ساله معادل ده میلیون دالر خرمن ها، اثر احتملات زراعتی، محصولات باغهای میوه دلر و تاکستانها را آتش زده حریق و خاکستر ساخته بیرون تا مردم باقسط و نیستی رو برو و دست تکدی را به شورویها دشمن دین و دنیا دراز کنند.

۵۰ - شوروی ها و دست پروردۀ های آنها از اغاز کود تانا امریک در حدود بیش از یک میلیون انسان بیگناه و بی دفاع را بدون جرم و بدون محکمه بصورت خیلی وحشیانه و ظلامانه کشند و بیش

از پنج میلیون نفری مملکت در نتیجه بعیار دامنگای بی سلامه و بی امان، قتل و قتال دسته جمعی، تیرباران های گروهی، شکنجه و عذاب های دوست از حرامت انسان به جرت از وطن مجیور شده، در پاکستان، ایران، ممالک عربی، امروپا، امریکا، افریقا، راستیلیا - متواتری و پراگتیه شده باگ منگی و مشکلات روزمره دست و پنجه هستند. از آنها بیش از دو ثلث زمین های فلسطینی و کلیه زمین های لسی مملکت از کشت و زراعت بازمانده سطح همه انواع حاصلات زراعی را بشمل می بینیم. اهل از قبیل گرسنگی های گوشتشی گرسنگی قرقیلی و گرسنگی های شیری، گاو های شیری، گاو های گوشتشی گاوهای قلبی می به یک ثلث حاصلات و تولیدات سال ۱۳۵۶ کشور کاهش یافته و صد عجز بجران ناپذیری بر پیک اقتضاد را که مملکت وارد آوردند، موادر اقتصادی و احتیاجات اولیه انسانها آنچه در وطن تولید می یافتند تنها قلت یافته، بلکه قحطی خطرناک سایه سیاه و شرم خود را در کشور پنهان کرده می سود، تولیدات زراعی، مناعق و تجارت بصیرت قطع میزیره ای خود را پیموده، قیمت و نرخهای همه انواع تولیدات داخلی و وارداتی بصورت سراسام آوری بالا می سود، وزنندگان مردم با قیحانه دار مملکت فنیت عدم تناسب عرضه و تقاضا و نسبت به قحطی مطلق به مرگ و یا به ترک وطن تهدید شده می سود، همه سرمایه های علی، انسانی، حیواناتی و مادی کشور عزیز ملأ را و سهای خالی به باد فتا داده و یا بغاوت - برده و قتل، و هنوز هم از انهدام ای اندام نمودن، قتل عام ها، تیرباران ها

دسته جمعی فرزندان مسلمان، آزاده و امیل وطن مان نه تنها دست
برند استه بلکه از هیچ نوعی احترامی ها، هتک حرمت ها، شکنجه ها
عذابها، کشته راهی دسته جمعی، و اتفاقاً دیگر مان، منع نیا ورده.
بیش از بیش در پی تحریب و ازار ماست.

۵۱.— رهنانی، تنظیم و اداره هه امور خدمات ملکی و فرهنگی، طبی
و عملیات نظامی در مملکت بدست کارکنان، مشاورین ملکی و مارشالها
و جذراً های سوسنی خالق برده هیچ یک از عروض کهای دست
پروردۀ آنها صلاحیت اجرای کوچکترین کار و ابتکار را نداشت، هر
بنام تظامن و اغفال مردم، در بین دفاتر و یا محققۀ های بحیث بت های
بسیاری و بسیار اراده نگهداشتند.

۵۲.— شور و بیمه خلاف اعلامیه حقوق بشر و خلاف هه مقررات بین
المللی سلاحهای کیمیاری ممنوع شده را در افغانستان استعمال کرد
آزادیهای فردی، حرمت انسان ممنوع شده هه مردم از حق حیات،
حق مصونیت، حق اظهار نظر، حق نشر اخبار، حق استقاد معقول و
وارد، حق سفر از مملکت بصورت آزادانه و دخواه، حق و باز
گشت آزادانه مردم بوطن، سلب گردیده، و مردم بصورت مستبدانه
به فرزندان انداحته میشوند و محبوسین را بسیار رحمانه شکفه، معدن
و هتک حرمت کرده هی سوند.

۵۳.— اولادهای آنامی را که با دادن یک تضمین بزرگ پولی و یا
جایداد غیر منقول بخارج از مملکت مفریخایند، درگز و گان گرفته،
و همواره تحت تعقیب خفیه پولیس قرار داشته، بدون جهت هتک حر-

و معذب میشند.

۴۴.- جایداد منقول و غیرمنقول از قبیل خانه، زمین، باغ، اسهام و-
بانکها و موسسات سهامی، پول مقد در بانکها کلیه تبعه افغانستان
را که از شکنجه و عذاب، نندان شدن، حشتارهای دسته جمعی
و تیر بارانهای بدون اثبات جرم و گناه و بدون حکم عاکم ذیصلح
و امثال اینها به ممالک پاکستان، ایران، هند، اروپا، آسیا، استرالیا
ممالک عربی و غیره جاها چرت کرده و پناه برده اند، ضبط و غارت
کرده بین گروپهای پرچم و خلق تقسیم شده می رود.

۴۵.- همه مردمیکه در شهرها زندگی دارند با منازل رهایش شان
شب و روز تحت تعقیب پولیس خفیه، کی، بی، بی و پولیس سیاسی خلد
بوده و بدون جهت و بدون حدث کدام واقعه، صرف بخاطر اینکه اینجا
ترس و وحشت را در بین مردم تولید و همه مردم را از طریق ازان،
شکنجه و عذاب به تعییت و پیروی از کمونست ها به انقیاد بجبر
ساخته باشند. در تاریکی شب و گاه گاه در روشنی روز خانه-
های مردم را تلاشی و بازرسی کرده همه انواع زیورات پول و دیگر
اموال ارزشده صاحب خانه را به غارت می برند.

۴۶.- روسها از یکطرف هزارها جلد کتابهای مارکسیتی را به زبان
پشتون، دری، انگلیسی و روسی به مملکت وارد و به قیمت حینی ها-
نا چیز ترزیع و طبقه با سواد را با فلسفه مارکسیتی آشنا ساخته می
سروند و از جانب دیگر عده زیادی از اعضا حزب تردد ایران را
برای نوشتن رساله ها و کتب حاوی مطالب مارکسیتی به زبان دری

ترتیب و پخش نمودن مفاسدین، نشرات و تبلیغات زهرآگین استخدام
نموده مقالات سوزنامه‌ها، تبلیغات رادیویی و تیلویزونی را -
دوش بدوش مشاورین رویی بغرق مسموم ساختن عمروی و فریب
دادن عوام الناس تهیه و تدارک دیده می‌رسانند.

۵۷ - روسایی ظالم سی جیله بخیج میدهند تا موجودیت معنوی
مان یعنی دین مان معتقدات و ارزش‌های زندگی اسلامی مان را از
بین بردازند به این معنی که از یکلوف همه ساله مانند سابق قلی
به پیمانه خیلی بزرگ ترسیل خیلی جوان و بی دانش کشور را بنام تحمیل
در رشتہ عسکری، و خدمات ملکی، به روسیه اعزام و بعد فاسد شد
با داشتن ایدیالوژی کمونیستی بر میگردانند، و از جانب دیگر در-
داخل مانتد شهر کابل و جلال آباد و امثال آیت‌ناکه تا هنوز در واژه
مؤسسات تعلیمی آن بکلی بسته نشده به فرماندهان خیلی جوان حتی خبره
سالما دروس سیاست کمونیستی را بصورت عام تدریس میدادند.
گریا فرهنگ کشور ما را بصورت خیلی زشنده برای مقامند شوم خود-
یعنی ایجاد ایمان کور کر رانه به عظمت و پیروزی کمونیزم مشوروی
درجہان به کار می‌برند و روسیه‌ای‌های ظالم برعلاوه قدرت ارتغ
پولیس ٹراندارم، و دادگستری، و اقتماری، و سایل تبلیغات را از
کتب ابتدائی گرفته تا روزنامه‌ها، چاچانه‌ها، و سایل طبع و چاپ
را دیرها، تیلویژون، سینماها، تیاترها، ستدیورها، فلمبریارها
سالون‌های نمایش و غیره و سایل که ممکن است برای اعلام عدم
رفایت واستقاد مورد استفاده قرار گیرد، اورید قدرت خود را نیز

فلهذا آنچه را رسوسها صلاح بدانتد، جهت مسموم ساختن عقاید- عمومی، و تجهیز نمودن افکار جوانان یا اید یالورژی کمونیستی و فریب دادن مردم، سفارش، و انتشاری دهند، به این ترتیب از یکطرف کمرست ها با درست داشتن کلیه و سایل متذکره فوق غالباً - مرفق خواهند شد، عقاید عمومی نسل جوان را مسموم و فاسد نمایند و از جانب دیگر از فاش شدن خطاهای و جنایات خود جلوگیری و مرم حزد را بمحورت فرشتگان و خدمتگاران بهردم معرفی و فرمات روایی بی بند و بارخود را در وام داده بودند.

۵۸:- شورویها از مسدود شدن چهار شاه را های هنکت ماتند : کابل، بنگلہ دار، مزار کابل، کابل قندھار و هرات و کابل پکتیا هر آن دارندان آنجا با قوه و قدرت فوق العاده هوائی و قوای تانکدار وزرهدار، از شاه راهای متذکره فوق بدقت یافت و پاسبان منورده سو جمهیله بخرج میدهند، که شاه راهای مذکور را برای همیش بازنگهدارند. زیرا این هراسی موجود است که اگر شاه راهای فوق الذکر مسدود گردند، شورویها قهراً مجبور خواهند بود.

که همه اکمالات همه قطعات عسکری خود را با اکمالات چند نفر عسکر اجیر بیرک از قبیل مهمات جنگی، پترول و دیزل، خواراکه باب، البه و دیگر تجهیزات ضروریه نظامی از طریق هوا اکمال نمایند. در این صورت مصارف اکمالات و انتقالات عسکری بیش از صد چند بالا رفته فشار و ضربه، قابل ملاحظه، پر پیگرا قتماد شوروی واردی آیند ۵۹:- شورویها و رژیم بیرک کارمل از اعتمادات عمومی در

افغانستان سخت در هراس و ترس اند زیرا اگر مردم در داخل مملکت دست به اعتما بھای عمری می زنند و هم سرویس ها، تکی ها، لای ها را متوقف و دکانها را بسته، مکتب رفتن و دفتر رفتن را خصم می نمایند و هم و بیش از هر وقت دست و پاچه شده قهرآجبر میگردند با کار و پیکار افغانها آزاد منش و مسلمان کنار آیند و بی رو سها به هر وسیله که ممکن میشود مردم را تطیع و تحقیق کرده به ملیونها افغان مرف میکشد تا مردم را از اعتما بات عمری منصرف ساخته بر وند.

— ۱۶۰ — سوسيال اپراليزم شوروی از جنگهاي گورلاي در مراكن ولايات خصوصاً مرکز كابل سخت در هراس بوده كمال وحشت و دهشت خود را بخراج میدهدند تا جنگ را به سرجدات مملکت برده از مراكن هم ولايات خصوصاً از مرکز كابل بدوزنگدارند. تا از يك طرف در كابل نایندگی های سیاسي مملکت های مقابله در كابل بی خبر مانده و چنان و امنعد نایند که در مملکت جنگ و نزاعی باقی نمانده وضع به حالت فرن مال برگشته است. ولی اگر بجا هادین و مبارزین راه آزادی وطن بدون فرت وقت قاطعه نه تصمیم میگرند که اولًا عملیات جنگ و گورلاشی خود را تحت هدایت مقصمهین ورزیده جنگ و از يك مرکز واحد رهبری تنظیم و بیشتر قوت و قدرت جنگ خود را به هم مرکز های ولايات خصوصاً در شهر كابل متمرکز می سازند یقیناً کامیابی و موفقیت های بیش از تخمين نصیب بجهادین و فرزندان مبارز راه آزادی می خواهد بود.

— ۱۶۱ — رو سها در طبل تاریخ رمشه دادن را به پیانه وسیع به کار

بوده همواره انسانهای ضعیف النفس را بشمول بعضی علماء دین بمنظور اغراقش شرم خود تطییع و تحقیق کرده نفاق و تفرقه را در بین مردم انداخته اذهان عامه را مسموم ساخته می‌روند و هم فرزندان وطن را بهنام پستون ، تاجک ، هزاره ، وزبک ، ترکمن ، بلوچ ، تریستان و غیره هر یکی را لازم دیگری بیگانه و هم را از هم دور نگهدارند . تا آتش عداوت و نفاق را بخوبی دامن زده بروند . چنانچه در سال ۱۳۶۰ش به هوا بدبید روسها در جریده انتیس به این عبارت اعلان و به نشر سپردند که بعد از این اکثریت های بی فرهنگ ، کلتور و فرهنگ اقلیت مارا بطرف زوال و نابودی برده نمیتوانند . خوب دقیق مشوید کدام یکی از ملیت های اکثریت کشورمان بی فرهنگ استه و فرهنگ کدام یکی از دیگر جدا بوده و چیست ؟ یقیناً عنوان منعden و به نشر سپردن چنین نوشته های ز هرگین فقط برای تفرقه - انداختن در بین فرزندان سرزمین واحد مان افغانستان - است و بس .

نام وزارت سرحدات قبایل را بنام اقرام و قیایل به این منظور تعییل منعده اند تا هم احترام را بنام ، اشک زانی ، نز رزانی ، مهمند ، صافی سلیما خنیل ، علی خنیل ، جابی ، منگل ، جدран ، وزیری ، مسعود چنین هزاره ، ترکمن ، بلوچ ، تاجک و امثال اینها فرزندان کشور واحد ، دین واحد ، کلتور و فرهنگ واحد ماهه افغانستان را از هم دور و پارچه پارچه نگذاشتند یک در مقابل دیگری بد شمعی برخاسته دست در گردن هم اندازیم چنانچه همین الان اختلافات و تفرقه

اندازی در بین رهبران تنظیم‌های مهاجرین و جا‌هدین در پشاور تا سرحد دشمنی پیشرفت و در میدان نبرد جهاد مقدس عویش - مقابله با دشمن، برادران مسلم یک دیگر خود را کشته می‌روند که یکی از آنها با دادن صد ها میلیون افغانی پیکتیا را خاموش ساخته از میدان نبرد بیرون نگهدارد، و دیگری با صد ها میلیون افغانی ر شوه دادن اقرام هزاره را خاموش ساخته از میدان جنگ دور نگهدارند، و معین دیگر کوشش دارد با دادن صد ها میلیون رشوه جراثیان سربکف و مبارز شعلی، بتگرها ری، کندھاری، مزاری و دیگر ولایات را یکی بعد دیگران میدان جهاد مقدس بدوز ساخته و خاموش نگهداشته بیرون و مبارزه گرم جهاد آزادی دین، ناموس و وطن را بتدربیح سرد ساخته و بالاخره همه اولاد وطن را پارچه پارچه، از هم دور و متفرق ساخته، و خود به فرمان ر واعثی بی‌بند و بارکمرونستی خود که از وزمین وزن رامان مشترک هم میدانند، ادامه داده بیرونند. و یقیناً این وحیزه که تفرقه انداز و حکومت کن تحقق خواهد یافت.

ای آنانیکه بکامت انسان، بحق آزادی بشر و استقلال خود و دیگران از سهمه قلب احترام می‌گذارید. همه اعلامیه های زعای شوروی را که در ممل مقدس و یاد دیگر جماعت بین‌المللی و یا در زمان دید و باز دیده از زعمای جهان، ایجاد کرده‌اند با عماره و فشرده از مهامیکه بالای کشورمان افغانستان مستقل و بیطرف وارد اورده مقایسه فرمائید و ملاحظه منعایشید که چه فسق و فتنه

وفاد و آفت، کذابی و منافقت، دو روئی و شیطنت، بی رحمی
ظللم، تهدی و تجاوز، سفاک، خربخواری، حشدارها، قتل عام‌ها
تیرباران‌های دسته جمعی، بمبارد مانهای بی امان، چور و چاول
و غارتگریها، اخدام و تخریب قریه‌ها و منازل رهایش، حریق
نمودن خرمن‌ها و حاصلات زراعتی، کشتن و فراری شدن، استادنا
و معلمین، مسدود شدن هزارها مکتب مرتاض مملکت، هروم شدن
مليون نفاح مثل، متعلین و متعلمات، لیسه‌ها، مکاتب متوسطه، ابتدائیه
و دهائی درکشور، زندانی شدن بی‌چون و چرا، شکنجه و هتكزمه
ها و بالآخره کشتن و هلاکت صدها هزار انسان و هجرت نمودن
پنج میلیون انسان به پاکستان، ایران، اروپا، امریکا، ممالک-
عربی، هند و استرالیا و امثال اینها دهای مصیبت دیگر را بنام دوستی
شست ساله با جمله مسلحانه و گسترده خود به افغانستان به-
ار مفان اورد.

حالا سهل است با داشتن همچرا عمال مشخصیت‌های زیعای
شوری را ارزیابی و با اندیشه‌ها و شیوه‌های آنها اشنا شویم؛
هم میدانیم که روسیه شوروی در قرن گذشته ابرقدرتی نه
بود و مصرف در قطار قرمهای دیگر اروپا بحیث یک قوت بشمار
می‌رفت ولی آنوقت هم در نکار اشغال افغانستان و ایران و شبه
قاره هند بود لیکن در آن هنگام یک ابرقدرت جهانی مانند انگلستان
محض ویكتوریا در منطقه وجود داشت که هر قدمی را که روسیه
بر میداشت از طرف انگلستان خنثی میگردید چنانچه و قایع هرات

و پنجه د ر زمان امیر دوست محمد خان و امیر عبد الرحمن خان مشاهد آنست. مگر هنامفانه امروز تنها ابرقدرتیکه در برابر روسیه هشت روی در جهان قرار دارد اضلاع مقدمه امریکاست که به فاصله هزارها کیلومتر از افغانستان و ایران دور میباشد. از یکطرف ناتوانی نظامی مملکت اسلامی منطقه و از جانب دیگر دور واقع شدن، اتاژوف و معالک قدرتمند اروپای غربی و چاپان، روسیه را در موقع قرار میدهد. که در ظرف دو سه روز میتواند مدها هزار عسکر تانکدار زرهدار و فرقه های مسلح به سلاحهای کیمیاواری را در افغانستان پیاده نماید. جلو سرسیال امپریالیزم شوروی بعد از جنگ دوم جوان که به کمک و معاونت امریکا در پیکار با هتل فاتح برآمد، - مگرفته نشده در شش مملکت اروپای شرقی پولیند، چکوسلواکی، - رومانیه، بلغاریا، بخارستان و المان شرقی حکومت های دست پرورد خود را مستقر و قهراً و جبراً ایدیالوژی کوئنستی را بر آنها تحمیل، لتوانیا لتریا و استونیا را باجز امیر چاپان و قسمتی از خاکهای چکوسلواکی، پولیند، فنلند، والمان را میمه امپراطوری روسیه مفوذه و در طول ۳۸ سال گذشته ماشین نظای شوروی را به منظور جهان گیری و از پادراوردن دنیای سرمایه داری بعیث یک ابرقدرت تبارزداد. این تعریف و تجاوز مسلحه شورویها به افغانستان در حقیقت بمنزله تحفی و تجاوز بحریم مادی و معنوی ملل مقدم است.

روسیه شوروی بر علاوه مدها طیاره مگ و هلیکوپترهای زرهدار و توپدار جنگی بیش از چهار مدد طیاره دیوپیکر را برای انتقال

قوای پارا شوچ، تانکهای خفیف در بین دره های پر خم و پیچ . قلعه تپه ها و جاهای صعب المرور، و میدانهای وسیع و رساندن دیگر مهمات جنگی و اکمالات نظامی خود در هه میدانهای مملکت متمرکز ساخته و بیش از یکصد هزار قوای تانکدار و زرهدار و فرقه های مریط به سلاحهای کیمیایی را خود رهبری بیش از دوصد تن مار مثال ها و جزال های ورزیده و زبده و کار از مرده خود جهت سوقيات و عملیات جنگی در کابل و ولایات به کار گذاشته از یکطرف عساکر شرروی را در نقاط حساس و مراکز مهم نظامی عرض فکر اجیر بیک جا جا کرده هی روند و از جانب دیگر میدانهای جدید طیارات را با میدانهای سابقه امصار و توسعه داده هی روند تاریشه های خود را در افغانستان عمیق تر و برای اهداف اصلی جهانگیری خود بحیث ابرقدرت حریف امریکا - اماده گی های خلی وسیع ره جانبه را در بین حصار کوتاه تامنی افغانستان مستعد ساخته باشد .

گرچه افغانستان در سمت ریشه جهانی شوروی و سیله مغمض به فرد است ولی یگانه راه و وسیله برای رسیدن به اهداف - بزرگتر و دور رم جهانگیری شوروی که از سمت شرق و نیم قاره هند و پاکستان و کشورهای هجا و رآن تا سرحد بهم دست دادن با رژیم های کمونیستی جنوب شرق آسیا و از سمت غرب از هریق ایران و رسیدن بخليج فارس و دست یابی به منابع سرشار نفت این منطقه و مسدود ساختن جریان انرژی به اروپای غربی و جا پان و در عین زمان با اشتغال بنادر معم بحر هند ، قطع راه های

بحری بین شرق و غرب، و تسلط بر تمام موانع ملاحت حیات دنیا ری غرب میباشد، و روی همین استدلال یگانه و سیله جلوگیری و خنثی ساختن پلامهای شرم توسعه جریانه^۱ و دور رس سریال امپریالیزم روس همانا به عقب راندن قوای اشغالگر روسیه و ریشه کن ساختن ایدیالوژی مارکسی از افغانستان است و پس زیرا چنانیکه قبل از تذکار داده شد، هرگاه قوای این هیولای بزرگ وعظیم نظامی روسیه در افغانستان استقرار یا به خیلی بزودی و سهولت افغانستان را با موقعیت سوق الجیشی و اهیت تریپولیتیک خاصی که دارد بیک مرکن بزرگ عملیات نظامی مبدل ساخته میتواند تا از آنجا به هرسمعی که حزاسته باشد عملیات و پلامهای توسعه جریانه خوش را یکی بعد دیگری عملی و به کرسی بنشاند. آن وقت در آنطرف حصار کو هستافی که بدور افغانستان ماتد یک دیوار فولادین قرار دارند و وسائل خیلی پیشرفته که در اختیار روسهای وحشی و ظالم میباشد، دفاع از دشت های وسیع بلا دفعه که از یک طرف تلو سواحل او قیاموس هند و از جانب دیگر تا سواحل عیره عرب و قلنوز امتداد یافته است عملأً دور از امکان به نظری آید فلهذا افغانستان اخرين سنگرد فاع جهان آزاد به مقابله پلانها توسعه جویانه سو سیال امپریالیزم روسیه ظالم به شملهایی رود که به هیچ صورت و به هیچ قیمت باید از دست داده میشد. و نبایست فرا هوش کرد، همانطور که افغانستان از لحاظ موقعیت جغرافیائی و اهیت سوق الجیشی در قدم اول مورد تجاوز

صلحانه بلا موجب رو سیه شوروی قرار گرفت ولی در قدم های بعده و لوکه هدف نهانی شوروی از پادر او ردن دنیا ای طریق داری و تسلط بر جهان باشد اما قبل از همه کشورهای ممالک جهان سوم که قسمت اعظم منابع طبی در خاک آنها جا دارد یکی بعد دیگر شکا و صید توسعه جریئ سوسیال امپریالیزم شوروی خراهنده شد. یگانه وسیله که ممالک جهان سوم و جهان آزاد غرب را از غالگر- مشدن بیشتر، فریب و خدعاً هم زید و به دام افتادن رو سیه خرخوار و غدار بخت هیتوان داد این است که باید همه ممالک اسلامی جهان سوم و همه کشورهای از ادغب در سایه هوشیاری و بسیاری خود بایک اقدام حسپورانه و قاطعانه موقوف مشترکه و معتقد بر ضد تجاوز و توسعه طلبی سوسیال امپریالیزم شوروی اتحاد و این خرسهای قطبی را بدون قید و شرط با ایدیالوژی آن از افغانستان بعقب برآورد. موقوف جهان در برابر قضیه افغانستان خیلی واضح و روشن است زیرا شورای امنیت ملل متحد، چهار مرتبه جمیع عمومی ملل متحد کفر انسانهای ممالک بیطرف، کفر انسانهای ممالک اسلامی و دیگر جمیع بین النعلی بارها به اخراج قوای شوروی از افغانستان فیصله های مادرکده اند از آنجا نبایست با اذکرات بی شرمنایی نهند، ملل متحد وقت را به نفع واستحکام شورویها در افغانستان از دست داد. ای برادران مؤمن افغان: بداینید که کشور ما در موقعیت که امری دنیا دارد هیچ نوع تضمینی ندارد و به هیچ چیز دیگر جز به عقل خودمان و بالا قرار آن به اتحاد و یگانگی خودمان نمیتوان امید و اتكه

داشته باشیم . در مورد وطن ما هدف ما روشن و پیداست و آن عبارت از آزادی کامل کشور ماست . راه ما را بسوی هدف ما، مبارزه پی گیر و پیکار منظم ما از مرکز واحد رهبری در وحدت نظر و وحدت عمل ما تعین میکند ، در راه مبارزه آزادی وطن و جماد مقدس باید در یک صفت واحد و هم آهنگ بجلورفت ، امر و زکاء بر تیره و تاراستعار سوسیال امپریالیزم رومیه بر وطن ابادی ما سایه افگنده و فرزندان مؤمن و اهیل وطن با دشمن ابر قدرت و وحشی دلیرانه در نبرد و پیکاراند ، وجیبه و فریضه هاست که هنوف خود را فشرده تر ، وحدت و اتفاق همگان را درجهه 'مقدمل نجات افغانستان قوی تر و مستحکم قدر سازیم و در راه منافع ملی و مبارزه آزادی وطن خویش از همه منافع فردی و ایدال های شخصی - بگذاریم و هچیز از آن حزد را بشمول جان و مال و اولاد خود را قربان جهاد ف سبیل الله منعیم . عنتر ما ، قدرت ما و پیروزی ما در وحدت ماست . این باراول نیست که ما در طول تاریخ حیات کشور باستان خود با دشمن وطن در میدان مصاف هی برایم . کشور باستان ما بشهادت تاریخ قرون زیادی را در مساحة تجارتی بین المللی و مناسبات خویش با ملل شرق و غرب شمال و جنوب سپری ننموده ، ابرهای تشیعی ، رعدهای تهدید و تجاوز ، مسلح و ارامش را در سیزدهان دیده مهابی و الام جنگ و راحت ، ملح و امن را میدانیم . ما هر وقت مقد و متفق بوده و تحت سایه یک لوای وحدت ملی و تحت رهظائی و رهبری دسته جمعی از یک مرکز واحد

بداخل پلان و نقشه متطلاً حرکت کرده ایم همواره موفق و افتخارات
کامیابی نصیب ما بود.

خداوند تعالی فرماید: وجاہدوا با موالکو و انقسکو ف
سبیل الله ذالکو خیز، لکم این کنتم تعلمون.

بجان و مال خرد در راه خدا جهاد کنید زیرا بخیر شماست اگر میدانید:

حضرت پیغمبر ماهی فرماید: افضل الناس مونت یجاده در سبیل الله
بنفسه ماله.

بهترین مومن کسی است که در راه خدا به نفس و مال خود جهاد کند
حدیث پیغمبر ماست: والذی نفی بیده لود دت ان اقتل فی
سبیل الله ثم احی شما قتل شواحی شما قتل شواحی شما قتل:
سوگند است به آن ذاتی که نفس من درید قدرت او است هر
آئنده دوست دارم که در راه خدا تعالی کشته شوم و بعد از آن
زنده شوم و باز کشته شوم و باز زنده گردم و باز کشته شرم و باز
زنده شوم و باز کشته شرم.

پیغمبر بر حق فرموده است: ليس شيء أحب إلى الله من قطرتين
واثرین قطرة موع من خشية الله و قطرة دم بهان في سبیل الله
اما الاشran فاثر في سبیل الله و اثر في فريضة من فرائض الله تعالى.
دو قطره و دو قدم نزد خدای تعالی حیلی عزیز و مکرم است،
یک آن قطره اشکی که از ترس خدای بزرگ از چشم مومن بریزد -
دوم آن قطره خونیکه در جهاد فی سبیل الله از بدن انسان بریزد -
واز جمله دو قدم اول که نزد خدای تعالی عزیز و مکرم است

آن قدم میباشد که مومن بمدق در راه جماد ف سبیل الله بردارد .
و قدم دوم آن است که در راه ادائی فرائض الله تعالی بردارد مانند
ادای نماز فرض و ادائی فریضه "جع و غیره .

حدیث برگزیده پیغمبر ماست : من فمل فی سبیل الله ضمات
او قتل او و قمه فرسه او بعینه او لدغة هامته او مات علی فرشه
بای حتف شاهد الله فانه شهید و ان له الجنۃ ط :

کسیکه از خانه خرد به نیت جهاد ف سبیل الله برآمد و بعد در
سفر به اجل خود مرد و یا کشته شد و یا اسپ واشترا و رازد و گزنش
را شکست . و یا مارا و را گزید و بمرد به تحقیق او شهید است و
جنت نصیب او :

حدیث دیگر پیغمبر برگزیده ماست : من جهز غازیاً فی سبیل الله
فقد غزا ومن خلف غازیاً فی اهل فقد غزا :
هر کسیکه شغص دیگری را بغرض رفتن به تظریجهز ساخت به
تحقیق خرد مجهز کشته هم غازی است . هر کسیکه برای اهل و عیال
غازی نفقه تهیه دید و به آنها معاونت کرد صواب غزار انصیب -
میشوند .

خدای عز و جل می فرماید : ولا تقولوا مرن يقتل فی سبیل الله امویا
و بل احیاء و لکن لا تشعرون ط .

کسانیکه در راه جهاد فی سبیل الله کشته میشوند آنها امردگان
مگوئید ، زیرا آنها زنده اند ولی شما زندگان حقیق مقام شهادت
آنها را نمیدانید .

خدای حکیم و دانای حقیقی فرماید: و شایوزمّ فی الْأَمْرِ فَإِذْ
عَزَّمَتْ قَتْرَكَلْ عَلَى إِلَهٍ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَرَكِلِينَ طَ.

در امور با هم مشوره نمایید و قتیکه در ختم مشوره تصمیم
گرفتید و عزم نمردید با زین خدای قادر لایزال ترکل کنید که خدای
متعالی مترکل کنندگان را دوست دارید.

خداوند بن رگ و توانای فرماید: و ان جھو السلم فاجنح لها
و توکل علی الله انه هو السميع العليم ط:

اگر کفار به صلح میلان کنند شما هم بسوی آن میل ننمایید و
ترکل کنید بر خدای بن رگ که خداوند هر آینه شنوا و داناست .
خداوند حکیم و دانای فرماید: ولعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا
به رسیمان وحدت الله جمیعاً و متعداً چنانکه زینید متفرق و نی اتفاق
مشوید.

خداوند قمار در آیه کریمه دیگری فرمایند: ولا تکرون کالذین تفرقوا
ای گروه مؤمنان مباشید مانتد کسانیکه به نسبت عداوت مفرق
شدند.

ای ملت آزاد منش و مسلمان افغانستان ای فرزندان دلیر سر
زمین عقاب ها و شاه بازها، هه ما و شما و جهان بشریت امروزیه
خوبی اگاه و به چشم سری بینند که ملت آزاد منش برضحه مسلح
و گستردۀ شوروی های ظالم قیام عمومی سرافرازی کننده و با وجود آنکه
قوای شوروی با پیشرفتۀ قرین سلاحهای روز بجهن بوده با آنهم
رژ مندگان و جوانان و پیر مردان پیکار جو، جماد مقدس اسلامی

و مبارزه ارایا ایمان راسخ و خیلی دلیرانه ادامه میدهد و خاطرات
شجاعت، مردانگی، جنگجویی، ایثار و سربازی، فداکاری و جاشایی را
در راه آزادی نتگ و ناموس وطن یکباره یگر عملأ
فرموده اید.

که همچنان که در مقدمه این کتاب آورده شد، این مجموعه از مقالاتی است که در طبقه بندی شده اند

و در این مجموعه از مقالاتی که در طبقه بندی شده اند، این مجموعه از مقالاتی است که در طبقه بندی شده اند

و در این مجموعه از مقالاتی که در طبقه بندی شده اند، این مجموعه از مقالاتی است که در طبقه بندی شده اند

و در این مجموعه از مقالاتی که در طبقه بندی شده اند، این مجموعه از مقالاتی است که در طبقه بندی شده اند

و در این مجموعه از مقالاتی که در طبقه بندی شده اند، این مجموعه از مقالاتی است که در طبقه بندی شده اند

و در این مجموعه از مقالاتی که در طبقه بندی شده اند، این مجموعه از مقالاتی است که در طبقه بندی شده اند

و در این مجموعه از مقالاتی که در طبقه بندی شده اند، این مجموعه از مقالاتی است که در طبقه بندی شده اند

و در این مجموعه از مقالاتی که در طبقه بندی شده اند، این مجموعه از مقالاتی است که در طبقه بندی شده اند

و در این مجموعه از مقالاتی که در طبقه بندی شده اند، این مجموعه از مقالاتی است که در طبقه بندی شده اند

و در این مجموعه از مقالاتی که در طبقه بندی شده اند، این مجموعه از مقالاتی است که در طبقه بندی شده اند

و در این مجموعه از مقالاتی که در طبقه بندی شده اند، این مجموعه از مقالاتی است که در طبقه بندی شده اند

و در این مجموعه از مقالاتی که در طبقه بندی شده اند، این مجموعه از مقالاتی است که در طبقه بندی شده اند